

گام نخست در

یکتاپرستی

در پرتو قرآن و سنت

تألیف:

شیخ محمد طیب انصاری

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.ahlesonnat.com

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.videofarda.com

www.nourtv.net

www.sadaislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.islam411.com

www.videofarsi.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست سوالات

- سوال ۱- مسائل چهارگانه که بر هر مسلمان واجب است آنها را بدانند کدام است؟ ۱
- سوال ۲- دلیل این اصول چیست؟ ۱
- سوال ۳- امام شافعی در فضیلت این سوره چه فرمود؟ ۱
- سوال ۴- آیا قول و عمل قبل است یا علم قبل از آن دو است؟ ۲
- سوال ۵- مسائل سه گانه‌ای که دانستن و شناختنش و عمل به آنها واجب می‌باشد کدام است؟ ۲
- سوال ۶- دلیل این امر چیست؟ ۲
- سوال ۷- دلیل این امر چیست؟ ۳
- سوال ۸- چه دلیلی بر این اصل وجود دارد؟ ۳
- سوال ۹- آیین حنیف در روش و ملت حضرت ابراهیم (علیه السلام) چگونه است؟ ۴
- سوال ۱۰- دلیل این امر چیست؟ ۴
- سوال ۱۱- معنای «یَعْبُدُونَ» چیست؟ ۴
- سوال ۱۲- مهمترین و بزرگترین چیزی که خداوند متعال بدان فرمان داده است چیست؟ ۴
- سوال ۱۳- توحید چیست؟ ۴
- سوال ۱۴- مهمترین و بزرگترین چیزی که خداوند متعال از آن نهی فرموده است چیست؟ ۵
- سوال ۱۵- شرک چیست؟ ۵

- سوال ۱۶- دلیل این امر چیست؟..... ۵
- سوال ۱۷- اصول سه گانه‌ای که واجب است انسان بدان شناخت حاصل کند کدام است؟..... ۶
- سوال ۱۸- پروردگار و ربّ تو کیست؟..... ۶
- سوال ۱۹- دلیل آن چیست؟..... ۶
- سوال ۲۰- از روی چه نشانه‌هایی پروردگارت را شناختی؟..... ۶
- سوال ۲۱- دلیل این سخن چیست؟..... ۶
- سوال ۲۲- پروردگار جهانیان (رب) کیست؟..... ۷
- سوال ۲۳- چه دلیلی بر این سخن وجود دارد؟..... ۷
- سوال ۲۴- عبادت چیست؟..... ۸
- سوال ۲۵- چند نوع عبادت وجود دارد که خداوند بدانها فرمان داده است؟..... ۸
- سوال ۲۶- دلیل این امر چیست؟..... ۹
- سوال ۲۷- حکم آن کسی که در یکی از این موارد، چیزی را بغیر الله نسبت بدهد چیست؟..... ۹
- سوال ۲۸- دلیل این حکم چیست؟..... ۱۰
- سوال ۲۹- چه دلیلی وجود دارد که دعا عبادت است؟..... ۱۰
- سوال ۳۰- دلیل آنکه خوف (ترس از خدا) عبادت است چیست؟..... ۱۱
- سوال ۳۱- دلیل آنکه رجاء (امید به خدا داشتن) عبادت است چیست؟..... ۱۱
- سوال ۳۲- دلیل آنکه توکل عبادت است چیست؟..... ۱۱
- سوال ۳۳- به چه دلیل «رغبت» و «رهبت» و «خشوع» از اقسام عبادت می‌باشند؟..... ۱۱
- سوال ۳۴- دلیل آنکه «خشیت» (خوف از خدا) عبادت است چیست؟..... ۱۲
- سوال ۳۵- دلیل آنکه «إنابت» عبادت است چیست؟..... ۱۲
- سوال ۳۶- دلیل آنکه استعاذه (پناه گرفتن و پناه بردن) عبادت است، چیست؟..... ۱۲

- سوال ۳۷- دلیل آنکه «استغاثه» عبادت است، چیست؟ ۱۳
- سوال ۳۸- دلیل آنکه «ذبح» قربانی کردن حیوانات عبادت است چیست؟ ۱۳
- سوال ۳۹- دلیل آنکه «نذر» عبادت است چیست؟ ۱۳
- سوال ۴۰- دلیل آنکه استعانه - یاری خواستن - عبادت است، چیست؟ ۱۴
- سوال ۴۱- اصل دوم چیست؟ ۱۴
- سوال ۴۲- دین اسلام چیست؟ ۱۴
- سوال ۴۳- مراتب و درجات دین اسلام چند تا است؟ ۱۴
- سوال ۴۴- ارکان اسلام چند تا است؟ ۱۴
- سوال ۴۵- دلیل آنکه شهادت به «لا اله الا الله» از ارکان اسلام است چیست؟ ۱۵
- سوال ۴۶- معنای «لا اله الا الله» چیست؟ ۱۵
- سوال ۴۷- منظور از لا اله الا الله چیست؟ ۱۵
- سوال ۴۸- منظور از «الا الله» چیست؟ ۱۶
- سوال ۴۹- تفسیر آنچه که این شهادت را توضیح می دهد چیست؟ ۱۶
- سوال ۵۰- دلیل آنکه شهادت به «محمد رسول الله» از ارکان اسلام است، چیست؟ ۱۷
- سوال ۵۱- معنای شهادت به «محمد رسول الله» چیست؟ ۱۷
- سوال ۵۲- دلیل آنکه نماز، روزه و تفسیر توحید از ارکان اسلام است، چیست؟ ۱۷
- سوال ۵۳- دلیل آنکه روزه از ارکان اسلام است چیست؟ ۱۸
- سوال ۵۴- دلیل آنکه «حج» از ارکان اسلام است، چیست؟ ۱۸
- سوال ۵۵- رتبه دوم از مراتب دین اسلام چیست؟ ۱۸
- سوال ۵۶- ایمان دارای چند شعبه است؟ ۱۹
- سوال ۵۷- ایمان دارای چند رکن است؟ ۱۹
- سوال ۵۸- دلیل این امر چیست؟ ۱۹

- سوال ۵۹- دلیل آنکه «قدر» از ارکان ایمان است چیست؟ ۱۹
- سوال ۶۰- مرتبه سوم از مراتب اسلام چیست؟ ۲۰
- سوال ۶۱- احسان چیست؟ ۲۰
- سوال ۶۲- خداوند متعال می فرماید؟ ۲۰
- سوال ۶۳- دلیلتان از سنت در مراتب سه گانه دین چیست؟ ۲۱
- سوال ۶۴- اصل سوم چیست؟ ۲۲
- سوال ۶۵- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چند سال عمر داشتند؟ ۲۲
- سوال ۶۶- خداوند متعال او را به چه برانگیخت؟ ۲۳
- سوال ۶۷- دلیل این امر چیست؟ ۲۳
- سوال ۶۸- معنای (قُمْ فَأَنْذِرْ) چیست؟ ۲۳
- سوال ۶۹- معنای (وَرَبِّكَ فَكَبِّرْ * وَتَبَايَكَ فَطَهِّرْ) چیست؟ ۲۳
- سوال ۷۰- معنای (وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ) چیست؟ ۲۴
- سوال ۷۱- رسول رحمت صلی الله علیه و آله چند سال این دعوت را بدینگونه پیگیری کرد؟ .. ۲۴
- سوال ۷۲- هجرت چیست؟ ۲۴
- سوال ۷۳- حکم هجرت چیست؟ ۲۴
- سوال ۷۴- دلیل این حکم چیست؟ ۲۴
- سوال ۷۵- علت نزول این دو آیه چه بود؟ ۲۵
- سوال ۷۶- دلیل تداوم و باقی بودن هجرت در حدیث چیست؟ ۲۶
- سوال ۷۷- بعد از آنکه رسول الله صلی الله علیه و آله در مدینه مستقر گردیدند، چه فرمودند؟ ۲۶
- سوال ۷۸- رسول خدا صلی الله علیه و آله چند سال به این قوانین فرمان می دادند؟ ۲۶
- سوال ۷۹- آن خیری که رسول الله صلی الله علیه و آله امتشان را بدان رهنمود ساخته‌اند و آن شری که آنان را از آن بر حذر داشته‌اند چیست؟ ۲۶

- سوال ۸۰- آیا خداوند، رسول الله ﷺ را برای قبیله خاصی برانگیخته و مبعوث گردانیده است یا برای تمامی بشریت؟ ۲۶
- سوال ۸۱- دلیل این سخن چیست؟ ۲۷
- سوال ۸۲- آیا خداوند متعال دینش را توسط رسولش حضرت محمد ﷺ کامل گردانید یا بعد از ایشان چنین کرده است؟ ۲۷
- سوال ۸۳- دلیل این امر چیست؟ ۲۷
- سوال ۸۴- دلیل مرگ (رحلت) پیامبر ﷺ چیست؟ ۲۸
- سوال ۸۵- آیا مردم بعد از مرگشان برانگیخته می شوند یا نه؟ ۲۸
- سوال ۸۶- آیا مردم بخاطر اعمالشان بعد از برانگیخته شدن محاسبه می شوند و جزا داده می شوند؟ ۲۸
- سوال ۸۷- حکم آنکه «برانگیخته شدن بعد از مرگ» را تکذیب می کند چیست؟ ۲۹
- سوال ۸۸- خداوند پیامبرانش را با چه چیزی فرستاد؟ ۲۹
- سوال ۸۹- دلیل این امر چیست؟ ۲۹
- سوال ۹۰- اولین رسول (پیامبر) کیست؟ ۳۰
- سوال ۹۱- دلیلش چیست؟ ۳۰
- سوال ۹۲- آیا در تاریخ حیات انسانها، ملتی بوده است که خداوند برایشان پیامبری را نفرستاده باشد تا آنها را به عبادت خدای یکتا به تنهایی دعوت کند و از طاغوتیان دورشان سازد؟ ۳۰
- سوال ۹۳- طاغوت چیست؟ ۳۰
- سوال ۹۴- تعداد طاغوتها چند تا است؟ ۳۰
- سوال ۹۵- دلیل این امر چیست؟ ۳۱
- ۳۳ **قواعد چهارگانه**
- ۳۴ قاعده اول

۳۵	قاعدہ دوم
۳۹	قاعدہ سوم
۴۳	قاعدہ چہارم
۴۷	عقیدہ سلف صالح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَبِهِ نَسْتَعِينُ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ نَبِينَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ.

سوال ۱- مسائل چهارگانه که بر هر مسلمان واجب است آنها را بدانند کدام است؟

جواب: اول، علم است که عبارت از شناخت خدا شناخت پیامبر خدا و شناخت دین اسلام با دلایل مستند و صحیح است.
دوم، عمل به این علم است.
سوم، دعوت به سوی این علم و عمل به آن است.
چهارم، صبر و استقامت بر مشکلات و آزارهای راه دعوت اسلامی می باشد.

سوال ۲- دلیل این اصول چیست؟

جواب: سخن خداوند متعال است:

﴿وَالْعَصْرِ ۝۱ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ۝۲ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ۝۳﴾ [العصر: ۱-۳].

یعنی: «سوگند به روزگار (زمانه)، براستی تمامی انسانها در زیان و تباهی و ورشکستگی هستند، مگر آنانی که ایمان آوردند (به یگانگی و وحدانیت و بی شریکی الله و به تمامی پیامبرانش و فرشتگانش و کتابهای آسمانیش و قوانینش و) و عملی صالح و شایسته (در تناسب با این ایمان) انجام دادند، (و در مسیر این دعوت جهانی) یکدیگر را به پایداری در راه حق (شریعت محمدی) و بردباری، تحمل و صبر سفارش کردند. (می کنند)».

سوال ۳- امام شافعی در فضیلت این سوره چه فرمود؟

جواب: فرمود، اگر خداوند متعال به جز از این سوره بر بندگانش نازل نمی کرد، کفایتشان می کرد!

سوال ۴- آیا قول و عمل قبل است یا علم قبل از آن دو است؟

جواب: علم قبل از آنهاست، زیرا پروردگار حکیم می فرماید:

﴿فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ﴾ [محمد: ۱۹].

یعنی: «بدان و آگاه باش که براستی هیچ معبود و حاکم و فریادرس و اجابت کننده دعوات و قانونگذار و بجز الله وجود ندارد، (نسبت به این عقیده، شناخت و معرفت دقیق حاصل کن) و برای گناهان خودت و تمامی مؤمنان به این عقیده استغفار کن و طلب بخشش بنمای.»
(امام بخاری رحمته الله در این باره می گوید: خداوند قبل از قول و عمل دعوتش را با علم آغاز کرد.

سوال ۵- مسائل سه گانه ای که دانستن و شناختن و عمل به آنها واجب می باشد کدام است؟

جواب: اول، این است که خداوند متعال «تنها کسی است» که ما را خلق کرده و هموست که به ما روزی داده و می دهد و ما را به حال خودمان بیهوده و بی هدف رها نکرده و نمی کند بلکه پیامبری را به سوی ما (جهت راهنمایی و هدایت) فرستاده است، بنابراین هر کس از او اطاعت و فرمانبرداری کند وارد بهشت می گردد و چنانچه هر کس از فرامینش نافرمانی کرد و اطاعتش را نکند وارد جهنم می گردد.

سوال ۶- دلیل این امر چیست؟

جواب: سخن خداوند متعال است که می فرماید:

﴿إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا ﴿١٥﴾ فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلاً ﴿١٦﴾﴾ [مزمّل: ۱۵-۱۶].

یعنی: «ای اهل مکه! و ای تمامی انسانها در هر زمان و مکان و نژاد) ما پیامبری را به سوی شما فرستاده ایم (برای همیشه) که بر شما گواه است، همانگونه که به سوی فرعون پیغمبری فرستادیم. فرعون با آن پیغمبر به مخالفت برخاست و ما هم او را به سختی فرو گرفتیم.»

دوم، این است که خداوند متعال هرگز راضی نمی‌شود که در عبادتش کسی از فرشتگان مقرب و پیامبران مرسل و امامان و اولیاء و بزرگان شریک گردند.

سوال ۷- دلیل این امر چیست؟

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾ [الجن: ۱۸].

جواب: یعنی: «(بدانید) همه مساجد خاص و ملک خداوند متعال است بنابراین حق ندارید بجز الله، احدی را بخوانید. (نه در رفتار روزمره‌تان و نه در دعاها و عبادت‌هایتان)».

سوم، این است که بر هر کس که خداوند متعال را به یگانگی بپذیرد و از رسول خدا اطاعت کند جایز نیست که با دشمنان خدا و رسولش (آنانی که تسلیم برنامه الهی نیستند) هر چند که از نزدیکترین اقوامش باشند، موالات و دوستی کند.

سوال ۸- چه دلیلی بر این اصل وجود دارد؟

جواب: خداوند متعال می‌فرماید:

﴿لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِّنْهُ﴾ [المجادلة: ۲۲].

یعنی: «مردمانی را نخواهی یافت که به خدا و روز قیامت ایمان داشته باشند، ولی کسانی را به دوستی و صمیمیت برگزینند که با خدا و پیغمبرش دشمنی ورزیده باشند، (از دستوراتشان سرپیچی کرده و مطابق هوی و هوسشان زندگی کرده یا از قوانین غیرخدا و دیگران پیروی کنند). هر چند که آنان پدران یا پسران یا برادران و یا قوم و قبیله ایشان باشند. چرا که مؤمنان را، خدا بر دل‌هایشان ایمان را رقم زده و ثبت گردانیده است و با نفخه ربانی خود یاریشان داده و تقویتشان کرده است.»

سوال ۹- آیین حنیف در روش و ملت حضرت ابراهیم (علیه السلام) چگونه است؟

جواب: این است که فقط و فقط خداوند یکتا و بی شریک را در حالی که تنها دین و عبادت را برای او خالص گردانیده‌ای، عبادت و پرستش کنی. و این را بدانی که پروردگار حکیم تمامی بشریت و مردم را به این روش دستور و فرمان داده است زیرا انسان را فقط بدین خاطر خلق کرده است.

سوال ۱۰- دلیل این امر چیست؟

جواب: خداوند کریم می‌فرماید:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ [الذاریات: ۵۶].

یعنی: «جن و انس را خلق نکرده و نیافریدیم مگر آنکه تنها و تنها مرا عبادت کرده و پرستش نمایند. (در تمامی زندگی تسلیم برنامه‌های من باشند)».

سوال ۱۱- معنای «یَعْبُدُونَ» چیست؟

جواب: در حالی که آنان را امر و نهی می‌کنم (و کاملاً و بدون هر گونه اعتراض و اظهار رأی تسلیم من هستند) مرا به یگانگی و وحدانیت (در ذات و صفات و اعمال) می‌شناسند.

سوال ۱۲- مهمترین و بزرگترین چیزی که خداوند متعال بدان فرمان داده است چیست؟

جواب: توحید.

سوال ۱۳- توحید چیست؟

جواب: یگانه و بی شریک دانستن خداوند در عبادات و اثبات و تأیید صفاتی که خودش را بدان توصیف کرده و رسول کریمش ﷺ بیان داشته است و منزه دانستن او از

هر عیب و نقص و حادث شدن (پدید آمدن) و مشابهت با مخلوقاتش در ذات و صفات و أفعال.

سوال ۱۴- مهمترین و بزرگترین چیزی که خداوند متعال از آن نهی فرموده است چیست؟

جواب: شرک.

سوال ۱۵- شرک چیست؟

جواب: دیگری را بجز خداوند (یا به همراه او) خواندن «در دعاها و درخواستها و عبادتها» و یا اینکه در حالی که تنها اوست که تو را خلق کرده است در عبادات برایش شریک، همورد و همتا قرار دهی.

سوال ۱۶- دلیل این امر چیست؟

جواب: سخن خداوند حکیم است که:

﴿وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا﴾ [النساء: ۳۱].

یعنی: «تنها و تنها الله را عبادت و پرستش کنید (در تمام برنامه‌هایتان و امور زندگی و مرگتان و سیاستتان و اقتصادتان و تسلیم برنامه‌های او باشید) و در هیچ چیز (عبادت، دین، سیاست، ذات و صفات و قوانین و برنامه‌هایتان) کسی یا چیزی را برایش شریک قرار ندهید.»
در آیه دیگر می‌فرماید:

﴿فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا﴾ [البقرة: ۲۲].

یعنی: «(هرگز) برای الله همتا و همگون و همانندهایی قرار ندهید (یعنی مبدا قوانین و روشهای عبادت و آداب زندگی و مرگ دیگران را سرمشق خود قرار داده مقابل آن تسلیم شده و بدان گردن نهید به امید آنکه از حق منحرف نشده‌اید!!!!)».

سوال ۱۷- اصول سه گانه‌ای که واجب است انسان بدان شناخت حاصل کند کدام است؟

جواب: عبارت از شناخت دقیق پروردگارش، دینش و پیامبرش حضرت محمد ﷺ می‌باشد.

سوال ۱۸- پروردگار و ربّ تو کیست؟

جواب: ربّ و پروردگار من همان الله است مرا و تمام جهانیان را با نعمتها و رحمتهايش پرورش داده است و تنها هموست که معبود من است و بجز او هرگز معبودی ندارم و نخواهم داشت.

سوال ۱۹- دلیل آن چیست؟

جواب: سخن خداوند متعال است که می‌فرماید:

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾

یعنی: «حمد و ستایش مخصوص و خاص الله است که فقط همو پروردگار جهانیان می‌باشد».

بنابراین، هر چیزی بجز الله در مجموعه عالم (جهان) قرار می‌گیرد و ما هم زیر مجموعه و عضوی از این جهان هستیم.

سوال ۲۰- از روی چه نشانه‌هایی پروردگارت را شناختی؟

جواب: پروردگارم را از روی آیات و مخلوقاتش که شامل شب، روز، خورشید، ماه، آسمانهای هفتگانه و هر آنچه که در آنهاست، شناختم.

سوال ۲۱- دلیل این سخن چیست؟

جواب: سخن خداوند متعال است که

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿٣٧﴾﴾ [فصلت: ۳۷].

یعنی: «از نشانه‌های (خلقت و قدرت و ربوبیت) خدا، شب و روز و خورشید و ماه است بنابراین برای خورشید و ماه سجده نکنید، فقط برای خدائی که آنها را آفریده است، سجده کنید، اگر واقعاً او را عبادت و پرستش می‌کنید».

و همچنین

﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ ۗ يُعْذِبُ اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَيْثُ مَا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ ۗ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٥٤﴾﴾ [الأعراف: ۵۴].

یعنی: «پروردگار شما خداوندی است که آسمانها و زمین را در شش دوره - روز - بیافرید، سپس به اداره جهان هستی پرداخت (توجه به سوی عرش - مرکز فرماندهی‌اش - نمود و بر آن استقرار یافت یا آن را خلق کرد) با (پرده تاریک) شب، روز را می‌پوشاند و شب شتابان به دنبال روز روان است. خورشید و ماه و ستارگان را بیافریده است و جملگی مسخر فرمان او هستند. آگاه باشید که تنها او می‌آفریند و تنها او فرمان می‌دهد. بزرگوار و جاویدان و دارای خیرات فراوان، خداوندی است پروردگار جهانیان است».

سوال ۲۲- پروردگار جهانیان (رب) کیست؟

جواب: رب (پروردگار) تنها کسی است که سرور، آقا و مالک (صاحب اختیار) بوده همان که از عدم (هیچ) مخلوقات را به دایره هستی (وجود) وارد ساخت و تنها و تنها اوست که لایق و سزاوار و مستحق پرستش و عبادت است.

سوال ۲۳- چه دلیلی بر این سخن وجود دارد؟

جواب: پروردگار جهانیان می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿٢١﴾
الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ
رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٢٢﴾﴾ [البقرة: ٢١-٢٢].

یعنی: «ای مردم! خدای خود را بپرستید، آنکه شما را و کسانی را آفریده است که پیش از شما بوده‌اند تا (خود را بدینوسیله پاک سازید و) راه پرهیزگاری گیرید. خدای شما کسی است که زمین را برایتان بگسترانید (و آن را در خور اقامت و سکونت کرد) و آسمان را (با تمام اجرام و ستارگان، بسان) کاخی بیافرید و از آسمان آب فرو فرستاد، و با آن، انواع (گیاهان و درختان و) ثمرات را بوجود آورد تا روزی شما گردند، پس شرکاء و همانندهایی برای خدا بوجود نیاورید، در حالیکه شما (از روی فطرت) می‌دانید. (که چنین کاری درست نیست) بنابراین خالق و آفریننده تمام این چیزها، تنها کسی است که سزاوار و شایسته و مستحق پرستش و عبادت است.»

سوال ۲۴- عبادت چیست؟

جواب: عبادت، نهایت و اوج خضوع و فروتنی و خواری و نهایت و اوج محبت (دوستی و علاقه) و وابستگی به کسی است که این کارها را برایش انجام داده است، به عبارت دیگر اسمی جامع و شامل بر هر چیزی است که خداوند آن را دوست می‌دارد. بدانگونه که از آن اعمال و رفتار ظاهری و باطنی خشنود و راضی می‌گردد. (به بیانی دیگر عبادت، زندگی و رفتار و کرداری است که مورد رضایت الهی می‌باشد. یعنی از شروع خلقت فرد تا قیام قیامت).

سوال ۲۵- چند نوع عبادت وجود دارد که خداوند بدانشان فرمان داده است؟

جواب: فراوان است، از انواع آنها می‌توان: اسلام، ایمان، احسان، دعا، خوف (ترس از خدا)، رجاء (امید به خدا)، توکل، رغبت، رهبت (میل و گریز)، خشوع، خشیت، انابت (روی آوردن به خدا)، استعانت (یاری و کمک خواستن)، استعاذه (پناه بردن و حمایت

طلبیدن)، استغاثه (دادخواستن و درخواست عمیق و جدای و به فریاد رسیدن) و قربانی کردن حیوان و نذر را نام برد که خداوند به آنها فرمان داده و از انواع عبادت بر شمرده است که تمامی آنها تنها و تنها خاص و ویژه الله (جَلَّ جَلَالُهُ) می باشد. (و نه کسی دیگر، بنابراین چنانچه کسی در هر یک از این امور غیر خدا را شریک گرداند از مسیر راستین عبادت خارج گردیده و به مقصود نخواهد رسید).

سوال ۲۶- دلیل این امر چیست؟

جواب: خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

﴿وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾ [الجن: ۱۸].

یعنی: «(این را بدانید و آگاه باشید) که همانا تمامی مساجد ویژه و خاص و در مالکیت الله است، بنابراین بجز الله حق ندارید کسی دیگر را بخوانید و پرستش کنید (و از او استعانت و یاری بطلبید)».

و در آیه دیگر چنین می فرماید:

﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ﴾ [الإسراء: ۲۳].

یعنی: «(ای انسان) پروردگارت چنین حکم کرده است (فرمان داده و واجب گردانیده) که نباید بجز او کسی دیگر را پرستش کنید و بخوانید و عبادت نمائید».

سوال ۲۷- حکم آن کسی که در یکی از این موارد، چیزی را بغیر الله نسبت بدهد چیست؟

جواب: چنانچه کسی در یکی از موارد ذکر شده در انواع عبادت چیزی را به غیر الله نسبت بدهد، مشرک و کافر می گردد، هر چند که نماز بخواند و روزه بگیرد و حج برود و گمان کند که مسلمان است!!!!.

سوال ۲۸- دلیل این حکم چیست؟

جواب: خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ ﴿۱۱۷﴾﴾ [المؤمنون: ۱۱۷].

یعنی: «هر کس که با خدا، معبود دیگری را به فریاد خواند مسلماً هیچ دلیلی بر حقانیت آن نخواهد داشت در حالیکه برهان و حجتی بر عملش ندارد، حساب او با خداست. قطعاً کافران رستگار نشده و به فلاح نمی‌رسند. (بلکه تنها مؤمنان - موحدین - رستگار می‌شوند».

سوال ۲۹- چه دلیلی وجود دارد که دعا عبادت است؟

جواب: خداوند «عزوجل» در قران پاکش می‌فرماید:

﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ ﴿۶۰﴾﴾ [غافر: ۶۰].

یعنی: «پروردگارتان می‌گوید: مرا به فریاد و دعا بخوانید مرا به کمک بطلبید، رفع نیازمندیها و حل مشکلات خود را از من بخواهید تا استجابت کرده و بپذیرم، کسانی که خود را بزرگتر از آن می‌دانند که مرا به فریاد بخوانند - از عبادت من سرپیچی کرده و استکبار می‌ورزند در حالی که خوار و پست و زبون و ذلیل می‌شوند وارد دوزخ - جهنم - خواهند شد».

در اینجا کلمه عبادت بمعنی «دعا» آمده است و از جانب دیگر رسول خدا ﷺ

می‌فرماید:

«الدُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ».

یعنی: «دعا مغز و عصاره و سر چشمه و فرماندهی و مرکز عبادت است» و در

روایتی دیگر آمده است:

«الدُّعَاءُ هُوَ الْعِبَادَةُ».

یعنی: «دعا قطعاً عبادت می‌باشد».

سوال ۳۰- دلیل آنکه خوف (ترس از خدا) عبادت است چیست؟

جواب: خداوند متعال می فرماید:

﴿فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُونَ إِيَّانَا كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [آل عمران: ۱۷۵].

یعنی: «پس از آنان نترسید و فقط از من بترسید اگر مؤمنان (راستین) هستید».

سوال ۳۱- دلیل آنکه رجاء (امید به خدا داشتن) عبادت است چیست؟

جواب: خداوند کریم و حکیم می فرماید:

﴿فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾

[الکهف: ۱۱۰].

یعنی: «پس هر کس که امید دیدار و رسیدن (خواهان دیدار) خدای خویش «پروردگارش» را دارد باید کار شایسته کند و در عبادت و پرستش پروردگارش احدی (کسی) را شریک نسازد».

سوال ۳۲- دلیل آنکه توکل عبادت است چیست؟

جواب: خداوند حکیم می فرماید:

﴿وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [المائدة: ۲۳].

یعنی: «فقط و فقط بر الله توکل کنید، اگر ایمان دارید».

﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾ [الطلاق: ۳].

یعنی: «و هر کس بر الله توکل کند (کارها و امورش را به او واگذار نماید) خداوند متعال خودش به تنهایی او را کافی خواهد بود و بسنده می کند».

سوال ۳۳- به چه دلیل «رغبت» و «رهبت» و «خشوع» از اقسام عبادت می باشند؟

جواب: خداوند متعال در کلام پاکش می فرماید:

﴿إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ فِي الْحَيَرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَدِيعِينَ﴾ [الأنبياء: ۹۰].

یعنی: «براستی که آنان (حضرت زکریا و همسرش و یا تمام انبیاء و صالحان) در انجام کارهای نیک و خیر بر یکدیگر سرعت می گرفتند (تا هر کس زودتر آن را انجام دهد) و در حالی که چیزی می خواستند یا از چیزی می ترسیدند ما را به فریاد و ناله می خواندند (و در وقت نیازمندی و بی نیازی، و بیماری و سلامت، و خوشی و ناخوشی، رو به آستانه ما می کردند) و میان خوف و رجاء می زیستند و همواره خاشع و خاضع ما بودند».

سوال ۳۴- دلیل آنکه «خشیت» (خوف از خدا) عبادت است چیست؟

جواب: سخن پروردگار حکیم است که می فرماید:

﴿فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ﴾ [المائدة: ۳].

یعنی: «پس از آنان (کافران و مشرکان) نترسید (و خوف و هراس به دل راه ندهید) و فقط از من (الله) بترسید».

سوال ۳۵- دلیل آنکه «إنابت» عبادت است چیست؟

جواب: خداوند رحمان «در برنامه اش برای انسانها» می فرماید:

﴿وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ﴾ [الزمر: ۳۴].

یعنی: «به سوی پروردگار خود برگردید (با ترک سیئات و انجام حسنات به سوی پروردگارتان تغییر مسیر دهید) و تنها تسلیم او شوید و خاضعانه و خاشعانه از اوامرش فرمانبرداری کنید».

سوال ۳۶- دلیل آنکه استعاذه (پناه گرفتن و پناه بردن) عبادت است، چیست؟

جواب:

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ① مَلِكِ النَّاسِ ② إِلَهِ النَّاسِ ③﴾ [الناس: ۱-۳].

یعنی: «بگو پناه می‌برم به پروردگار مردمان به مالک مردمان به معبود بر حق مردمان».

سوال ۳۷- دلیل آنکه «استغاثه» عبادت است، چیست؟

جواب: خداوند حکیم می‌فرماید:

﴿إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرَدِّفِينَ ﴿٩﴾﴾
[الأنفال: ۹].

یعنی: «ای مؤمنان، به یاد آورید» زمانی که در میدان کارزار بدر از شدت ناراحتی از پروردگار خود استغاثه و درخواست کمک و یاری می‌نمودید و او درخواست شما را پذیرفت «و گفت» من شما را با یک هزار فرشته کمک و یاری می‌دهم که این گروه هزار نفری گروه‌های متعدد دیگری را هم پشت سر دارند».

سوال ۳۸- دلیل آنکه «ذبح» قربانی کردن حیوانات عبادت است چیست؟

جواب: خداوند عزوجل می‌فرماید:

﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦٢﴾﴾ [الأنعام: ۱۶۲].

یعنی: «بگو: نماز و عبادتم و حجم و قربانی‌ام و زیستنم و مردنم از آن خداست که پروردگار جهانیان است و این است که تنها خدا را پرستش می‌کنم و کارهای این جهان خود را در مسیر رضایت او قرار می‌دهم و بر بذل مال و جان در راه خداوند می‌کوشم و در این راه می‌میرم، تا حیاتم، ذخیره ممانم شود».

سوال ۳۹- دلیل آنکه «نذر» عبادت است چیست؟

جواب: خداوند متعال می‌فرماید:

﴿يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا ﴿٧﴾﴾ [الإنسان: ۷].

یعنی: «به نذر خود وفا می‌کردند و از روزی می‌هراسیدند که شر و بلای آن گسترده و فراگیر است».

سوال ۴۰- دلیل آنکه استعانه - یاری خواستن - عبادت است، چیست؟

جواب: خداوند متعال می فرماید:

﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ [الفاتحة: ۵].

یعنی: «تنها و تنها تو را عبادت می کنم و فقط از تو کمک و یاری می جویم. همچنین از رسول خدا ﷺ».

در روایت صحیح آمده است:

«إِذَا اسْتَعَنْتَ فَاسْتَعِنِ بِاللَّهِ».

یعنی: «هر گاه یاری و کمک و استعانت خواستی فقط از الله، استعانت و یاری بخواه».

سوال ۴۱- اصل دوم چیست؟

جواب: شناخت دین اسلام با دلایل و شواهد قاطع می باشد.

سوال ۴۲- دین اسلام چیست؟

جواب: تسلیم و امتثال در برابر خداوند متعال با توحید و فرمانبرداری او به همراه طاعت و با بیزاری و نفرت از شرک و مشرکین (هوادار شرک) می باشد.

سوال ۴۳- مراتب و درجات دین اسلام چند تا است؟

جواب: مراتب اسلام سه تا است:

۱- اسلام

۲- ایمان

۳- احسان و هر مرتبه خود نیز دارای ارکانی است.

سوال ۴۴- ارکان اسلام چندتا است؟

جواب: پنج تا است:

- ۱- شهادت به یگانگی الله در توحید و عبودیت و الوهیت و اینکه محمد ﷺ فرستاده و پیامبر اوست.
- «شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ».
- ۲- برپاداشتن نماز.
- ۳- پرداخت وادای زکات
- ۴- روزه ماه مبارک رمضان
- ۵- حج خانه خدا «بیت الله الحرام»

سوال ۴۵- دلیل آنکه شهادت به «لا اله الا الله» از ارکان اسلام است چیست؟

جواب: خداوند رحمان می فرماید:

﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [آل عمران: ۱۸].

یعنی: «خداوند گواهی و شهادت می دهد که معبودی جز او نیست و اینکه (در کارهای آفریدگان خود) دادگری می کند و فرشتگان و صاحبان دانش گواهی می دهند. جز او معبودی نیست که هم توانا است و هم حکیم».

سوال ۴۶- معنای «لا اله الا الله» چیست؟

جواب: معنایش این است که هیچ معبود، فریادرس، قانونگذار، حاکم، سرور، اجابت کننده بحق بجز الله یگانه و بی شریک وجود ندارد.

سوال ۴۷- منظور از لا اله الا الله چیست؟

جواب: منظور نفی و طرد تمام و جمیع آنچه است که به گونه ای از انواع عبادت بجز الله مورد عبادت قرار می گیرد.

سوال ۴۸- منظور از «الا الله» چیست؟

جواب: منظور اثبات و تأیید هر گونه عبادت تنها برای خداوند متعال می باشد، خداوندی که یگانه بوده و هیچ شریکی در عبادتش ندارد، همانگونه که هیچ شریکی در (پادشاهی و فرمانروایی و قانونگذاری و فریاد رسی و اجابت کردنش) ندارد.

سوال ۴۹- تفسیر آنچه که این شهادت را توضیح می دهد چیست؟

جواب: خداوند حکیم می فرماید:

﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ ﴿۲۶﴾ إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ ﴿۲۷﴾ وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿۲۸﴾﴾ [الزخرف: ۲۶-۲۸].

یعنی: «آن هنگامی که ابراهیم به پدر و قومش گفت: من از آنچه می پرستید بیزار و متنفرم، بجز آن کسی (معبودی) که مرا آفریده است (فقط الله را خواهم پرستید) زیرا تنها اوست که مرا (به راه مستقیم و راستین) هدایت و رهنمون خواهد ساخت، و «این چنین» ابراهیم توحید را بعنوان شعار یکتاپرستی در میان قوم خود باقی گذاشت تا اینکه شاید (بدان ایمان آورده) و (از پرستش معبودهای دروغین و باطل) باز گردند».

همچنین سخن پروردگار جهانیان است که:

﴿قُلْ يَتَّهَلُّوا كِتَابَ تَعَالَى إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ﴿۱۶﴾﴾ [آل عمران: ۶۴].

یعنی: «بگو: ای اهل کتاب، (پیروان ادیان آسمانی) بیائید به سوی سخن دادگرانه ای (عادلانهای) که میان ما و شما مشترک این) که جز خداوند یگانه را نپرستیم، و چیزی را شریک او نکنیم، و برخی دیگر را، بجای خداوند یگانه، به جدائی (عبودیت) نپذیرد، پس هر گاه (از این دعوت)) روی بر گردانید (سر بر تابند) بگوئید: گواه باشید که منقاد و مطیع اوامر و نواهی خدا هستیم».

سوال ۵۰- دلیل آنکه شهادت به «محمد رسول الله» از ارکان اسلام است، چیست؟

جواب: خداوند متعال می فرماید:

﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ [التوبة: ۱۲۸].

یعنی: «بی گمان پیغمبری «محمد نام» از خود شما (انسانها) به سویتان آمده است هر گونه درد و رنج و بلاء و مصیبتی که به شما برسد، بر او سخت گران می آید و به شما عشق می ورزد و اصرار به هدایت شما دارد و نسبت به مؤمنان دارای محبت و لطف فراوان بوده و بسیار مهربان است».

«همچنین در جای دیگر از قرآن کریم آمده است:

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾ [الفتح: ۲۹].

یعنی: «محمد ﷺ - فرستاده و رسول خدا است و کسانی که با او هستند (یاران و اصحابش) در برابر کافران تند و سر سخت و شدیدند (در عوض) نسبت به یکدیگر بسیار مهربان و دلسوزند».

سوال ۵۱- معنای شهادت به «محمد رسول الله» چیست؟

جواب: اطاعت و فرمانبرداری از او (حضرت محمد ﷺ) در آنچه که فرمان می دهد و تصدیق و تأیید آنچه که خبر داده است پرهیز و دوری و تنفر از آنچه که نهی فرموده است و در نهایت اینکه الله را عبادت و پرستش نکنیم مگر آنگونه که او ﷺ فرمان داده است.

سوال ۵۲- دلیل آنکه نماز، روزه و تفسیر توحید از ارکان اسلام است، چیست؟

جواب سخن پروردگار حکیم است که

﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ﴾ [البينة: ۵].

یعنی: «در حالیکه جز این به ایشان دستور داده نشده است که خدا را مخلصانه و در حالیکه دین (تمام برنامه‌های زندگی و پرستش را تنها برای او خالص کردانده و به سوی حقیقت و آئین راستین گرایش یافته‌اند بپرستند و نماز را چنانکه باید بخوانند و زکات را (به تمام و کمال) بپردازند، و تنها این آئین، راستین و ارزشمند و استوار و پای برجاست و بس؟!».

سوال ۵۳- دلیل آنکه روزه از ارکان اسلام است چیست؟

جواب: خداوند متعال می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ [البقرة: ۱۸۳].

یعنی: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر شما روزه واجب شده است، همانگونه که بر کسانی که پیش از شما بوده‌اند واجب بوده است تا باشد که پرهیزگار و با تقوا گردید.».

سوال ۵۴- دلیل آنکه «حج» از ارکان اسلام است، چیست؟

جواب: خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾ [آل عمران: ۹۷].

یعنی: «و حج این خانه (بیت الله - کعبه) واجب الهی است بر کسانی که توانائی (مالی و بدنی) برای رفتن بدانجا را دارند. و هر کس (حج خانه خدا را عمداً به جای نیامورد یا اصلاً حج را نپذیرد، و بدینوسیله) کفر ورزد (به خود زیان رسانده نه به خدا) چه خداوند از همه جهانیان بی‌نیاز است....».

سوال ۵۵- رتبه دوم از مراتب دین اسلام چیست؟

جواب: ایمان.

سوال ۵۶- ایمان دارای چند شعبه است؟

جواب: ایمان دارای هفتاد و چند شعبه است که برترین آن، سخن «لا اله الا الله» و کمترین آن «دور کردن هر آنچه که در راهها به عابرین آزار می‌رساند (مانند، سنگ، شیشه و.....) می‌باشد و «حیاء» نیز شعبه - قسمتی - از ایمان است.

سوال ۵۷- ایمان دارای چند رکن است؟

جواب: ایمان دارای شش رکن است:

«أَنْ تُؤْمِنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَتُؤْمِنَ بِالْقَدَرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ».

یعنی: «اینکه ایمان بیاوری به الله و فرشتگانش و کتابهایش و فرستادگانش - پیامبرانش - و روز آخرت و اینکه ایمان بیاوری به قدر - حکم و مشیت خداوند دربارهٔ بندگانش از خیر و شرش».

سوال ۵۸- دلیل این امر چیست؟

جواب: سخن خداوند متعال است که:

﴿لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ﴾ [البقرة: ۱۷۷].

یعنی: «اینکه (به هنگام نماز) چهره‌هایتان را به جانب مشرق و مغرب کنید، نیکی (تنها همین) نیست (و یا ذاتاً رو کردن به خاور و باختر، نیکی به شمار نمی‌آید). بلکه نیکی (کردار) کسی است که به خدا و روز واپسین و فرشتگان و کتاب (آسمانی) و پیغمبران ایمان آورده است».

سوال ۵۹- دلیل آنکه «قدر» از ارکان ایمان است چیست؟

جواب: خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ﴾ [القمر: ۴۹].

یعنی: «ما هر چیزی را به اندازهٔ لازم و از روی حساب و نظام آفریده‌ایم».

سوال ۶۰- مرتبه سوم از مراتب اسلام چیست؟

جواب: آن «احسان» است که تنها دارای یک رکن است.

سوال ۶۱- احسان چیست؟

جواب: احسان این است که الله را چنان عبادت کنی که گویا او را می بینی (پس این را بدان) اگر تو نمی توانی او را ببینی، او کاملاً و به دقت تو را می بیند.

سوال ۶۲- خداوند متعال می فرماید؟

﴿إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ﴾ [النحل: ۱۲۸].

جواب: یعنی: «بی گمان خدا (تایید و معونت و حفاظت و رعایت همه جانبه اش) همراه کسانی است که تقوی پیشه کنند و (با دوری از نواهی، خود را از خشم خدا بدور دارند، و یا تمام نیرو و قدرت) با کسانی است که نیکوکار - محسن - باشند و (با انجام اوامر الهی خویشتن را به الطاف ایزد نزدیک سازند)».

همچنین می فرماید:

﴿وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ﴾ [۳۷] الَّذِي يَرِنُكَ حِينَ تَقُومُ ﴿۳۸﴾ وَتَقَلُّبِكَ فِي السَّجْدِ ﴿۳۹﴾ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۴۰﴾ [الشعراء: ۲۱۷-۲۲۰].

یعنی: «بر خدای چیره و مهربان توکل کن، آن خدایی که تو را می بیند آنگاه که (برای نماز تهجد) بر می خیزی و حرکت (قیام جماعت) سجده برندگان: چرا که او بس شنوا و آگاه است».

و نیز می فرماید:

﴿وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُوا مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ﴾ [یونس: ۶۱].

یعنی: «(ای پیامبر، تو به هیچ کاری نمی پردازی و چیزی از قرآن نمی خوانی، و «شما ای مؤمنان» هیچ کاری نمی کنید، مگر اینکه ما ناظر بر شما هستیم، در آن حال که شما بدان دست می زنید و سرگرم انجام آن می باشید».

سوال ۶۳- دلالتان از سنت در مراتب سه گانه دین چیست؟

جواب: حدیث صحیح و مشهور جبرئیل است که حضرت عمر رضی الله عنه آن را بدینگونه

روایت می کند:

«بَيْنَمَا نَحْنُ جُلُوسٌ عِنْدَ النَّبِيِّ ﷺ إِذْ طَلَعَ عَلَيْنَا رَجُلٌ شَدِيدُ بَيَاضِ الثِّيَابِ، شَدِيدُ سَوَادِ الشَّعْرِ، لَا يُرِي عَلَيْهِ أَثَرَ السَّفَرِ، وَلَا يَعْرِفُهُ مِنَّا أَحَدٌ فَجَلَسَ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ وَأَسْنَدَ رُكْبَتَيْهِ إِلَى رُكْبَتَيْهِ، وَوَضَعَ كَفَّيْهِ عَلَيَّ فَخَدَّيْهِ وَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ! أَخْبِرْنِي عَنِ الْإِسْلَامِ فَقَالَ: أَنْ تَشْهَدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَتُقِيمَ الصَّلَاةَ، وَتُؤْتِيَ الزَّكَاةَ، وَصُومَ رَمَضَانَ وَتَحُجَّ الْبَيْتَ إِنْ اسْتَطَعْتَ إِلَيْهِ سَبِيلًا، قَالَ: صَدَقْتَ. فَعَجَبْنَا لَهُ يَسْأَلُهُ وَيُصَدِّقُهُ، قَالَ: أَخْبِرْنِي عَنِ الْإِيمَانِ، قَالَ: أَنْ تُؤْمِنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَبِالْقَدْرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ. قَالَ: أَخْبِرْنِي عَنِ الْإِحْسَانِ، قَالَ: أَنْ تَعْبُدَ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ. قَالَ أَخْبِرْنِي عَنِ السَّاعَةِ؟ قَالَ: مَا الْمَسْئُولُ عَنْهَا بِأَعْلَمَ مِنَ السَّائِلِ قَالَ: أَخْبِرْنِي عَنِ أَمَارَاتِهَا، قَالَ: أَنْ تَلِدَ الْأُمَّةُ رَبَّتَهَا، وَأَنْ تَرَى الْحَفَاةَ الْعُرَاةَ الْعَالَةَ رِعَاءَ الشَّاءِ يَتَطَاوَلُونَ فِي الْبُنْيَانِ. قَالَ: فَمَضَى فَلَيْثُنَا قَلِيلًا. فَقَالَ: يَا عُمَرُ! أَتَدْرِي مَنِ السَّائِلُ؟ قُلْتُ: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ، قَالَ: هَذَا جِبْرِيلُ أَتَاكُمْ يَعَلِّمُكُمْ أَمْرَ دِينِكُمْ».

(رواه مسلم فی صحیحہ)

یعنی: «ما نزد رسول خدا ﷺ نشسته بودیم که ناگاه مردی که لباسهایش به شدت سفید و موهایش کاملاً مشکی بود و اصلاً آثاری از سفر (گرد و غبار و ژولیده گی) بر او دیده نمی شد و هیچ کس از ما هم او را نمی شناخت آشکار گردید پس (آمد) نزد پیامبر ﷺ نشست و زانوهایش را به زانوهای ایشان ﷺ چسباند و دستهایش را بر روی رانهایش گذاشت، سپس گفت: ای محمد، به من بگو اسلام چیست؟ حضرت فرمود: اینکه شهادت بدهی هیچ معبودی بجز الله نیست و محمد رسول خداست و نماز را بپای داری و زکات بدهی و ماه رمضان را روزه بگیری و اگر توانستی به حج بیت الله بروی».

گفت: راست گفتمی! شگفت زده شدیم، سوال می‌کند و آنگاه تأیید و تصدیق می‌کند. گفت: به من بگو ایمان چیست؟ حضرت فرمود: «اینکه به الله و فرشتگانش و کتابهایش و پیامبرانش و روز آخرت و قدر و خیر و شرش ایمان بیاوری». گفت: به من بگو احسان چیست؟ حضرت فرمود: «اینکه چنان خداوند را عبادت کنی که گویا او را می‌بینی. پس اگر نمی‌توانی او را ببینی (این را بدان) که او تو را می‌بیند». گفت: به من بگو ساعه (قیامت) کی می‌آید؟ حضرت فرمود: «من آگاه‌تر از تو که سوال می‌کنی نیستم». گفت: به من بگو نشانه‌هایش چیست؟ فرمود: «اینکه مادر، سرپرست و مربی خود را بزاید (یعنی پسرانش و دخترانش از دستوراتش سرپیچی کرده و به او دستور دهند) و اینکه انسانهای بی‌سروپست و برهنه (معنوی و مادی) را ببینی که به فرماندهی و امارت رسیده‌اند بگونه‌ای که در حکومت چپاول می‌کنند حضرت عمر می‌فرماید: او رفت و اندکی درنگ کردیم پس حضرت رسول ﷺ فرمود: ای عمر، آیا می‌دانی سوال کننده چه کسی بود؟ گفتم: خدا و رسولش آگاه‌ترند. فرمود: این جبرئیل علیه السلام بود که به نزدتان آمد تا امور دیتان را به شما بیاموزد».

این روایت را امام مسلم رحمته الله علیه در کتاب صحیحش آورده است.

سوال ۶۴- اصل سوم چیست؟

جواب: شناخت پیامبر ما حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم است.

او محمد پسر عبدالله پسر عبدالمطلب پسر هاشم از قریش است. قریش نیز از عرب و عرب از فرزندان اسماعیل پسر ابراهیم خلیل علیه السلام می‌باشد.

سوال ۶۵- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم چند سال عمر داشتند؟

جواب: شصت و سه سال که چهل سال آن قبل از نبوت بود و بیست و سه سال در دوران نبوت و رسالت گذشت. با آیه «اقرأ» نبی گردید و با سوره «مدثر» رسول گشت و سرزمینش مکه بود.

سوال ۶۶- خداوند متعال او را به چه برانگیخت؟

جواب: او را با بیم و بیزاری از شرک و دعوت به سوی توحید و یکتاپرستی برانگیخت.

سوال ۶۷- دلیل این امر چیست؟

جواب: خداوند متعال می فرماید:

﴿يَتَأْتِيهَا الْمَدْيَنُ ۝۱ قُمْ فَأَنْذِرْ ۝۲ وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ ۝۳ وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ ۝۴ وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ ۝۵
وَلَا تَمُنْ تَسْتَكْبِرُ ۝۶ وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ ۝۷﴾ [المدثر: ۱-۷].

یعنی: «ای جامه بر سر کشیده (و در بستر خوابیده)، برخیز و (مردمان را از عذاب خداوند) بترسان و بیم بده، و تنها پروردگار خود را به بزرگی و کبریائی بستای (و تنها او را بزرگ بشمار)، و جامه خویش را پاکیزه دار (و خویشان را از آلودگیها پاک گردان)، و از چیزهای کثیف و پلید دوری کن، بذل و بخشش برای این مکن که افزون طلبی کنی (بلکه برای رضای خدا احسان و صدقه و بذل و بخشش کن)، و برای (خشنودی و محض رضای) پروردگارت شکیبایی و صبر کن».

سوال ۶۸- معنای (قُمْ فَأَنْذِرْ) چیست؟

جواب: معنایش این است که: از شرک بترسان و بیم بده و به سوی توحید و یکتاپرستی دعوت کن.

سوال ۶۹- معنای (وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ * وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ) چیست؟

جواب: معنی: «معنایش این است که پروردگارت را به بزرگی در توحید اگر کن و اعمال و رفتارت را از شرک پاک گردان».

سوال ۷۰- معنای (وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ) چیست؟

جواب: معنی: «معنایش این است که بتها و طاغوتها را ترک کرده و رها کن یعنی آنها و اهلش و پیروانش را ترک کن و از آنها و اهلش بیزاری بجوی.»

سوال ۷۱- رسول رحمت ﷺ چند سال این دعوت را بدینگونه پیگیری کرد؟

جواب: ده سال متمادی به این دعوت تداوم بخشید سپس به سوی آسمان عروج کرد (معراج) و بر او (و امتش) نمازهای پنجگانه فرض گردید تا بدانها پناه ببرد بعد از آن، جهت هجرت به مدینه منوره فرمان داده شد.

سوال ۷۲- هجرت چیست؟

جواب: جابجایی از سرزمین شرک به سرزمین اسلام و سرزمین بدعت و انحراف به سرزمین سنت پیامبر می باشد.

سوال ۷۳- حکم هجرت چیست؟

جواب: حکم آن بر این امت (اسلام) فرض و واجب می باشد یعنی باید از سرزمین شرک به سرزمین اسلام هجرت کنند و از سرزمین بدعت و انحراف که اهلش را به سوی آن (بدعت) فرا می خواند به سرزمین (اسلام) و سنت هجرت کنند. و این حکم تا زمانی که خورشید از غرب طلوع کند (قیامت) باقی خواهد بود.

سوال ۷۴- دلیل این حکم چیست؟

جواب: خداوند متعال می فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّيْتُمُ الْمَلَائِكَةَ ظَالِمِينَ أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ﴿٩٧﴾ إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانَ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا ﴿٩٨﴾ فَأُولَئِكَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَعْفُوَ عَنْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَفْوًا غَفُورًا ﴿٩٩﴾﴾ [النساء: ۹۷-۹۹].

یعنی: «بی‌گمان کسانی که فرشتگان (برای قبض روح در واپسین لحظات زندگی) به سراغشان می‌روند و (می‌بینند که به سبب ماندن با کفار در کفرستان و هجرت نکردن به سرزمین ایمان) بر خود ستم کرده‌اند بدیشان می‌گویند: کجا بوده‌اید و به چه سرگرم بوده‌اید؟ (که اینک چنین بی‌دین و توشه مرده‌اید و بدبخت شده‌اید؟ عذرخواهان) گویند: ما بیچارگانی در سرزمین (کفر) بودیم (و چنانکه باید از انجام دستورات دین ترسیدیم فرشتگان بدیشان) گویند: مگر زمین خدا وسیع نبود تا در آن (بتوانید بار سفر بندید و به جای دیگری) کوچ کنید؟ جایگاه آنان دوزخ است، و چه بد جایگاهی و چه بد سرانجامی! مگر بیچاره‌گانی از مردان و زنان و کودکانی که کاری از آنان ساخته نیست و راه چاره‌ای نمی‌دانند. پس امید است که خداوند از آن در گذرد (چون قدرت هجرت نداشتند) و خداوند بسیار عفو کننده و آمرزنده است.»

همچنین می‌فرماید:

﴿يَعْبَادِي الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإِنِّي فَاعْبُدُونِ ﴿٥٦﴾﴾ [العنكبوت: ۵۶].

یعنی: «ای بندگان مؤمن من! زمین من فراخ و گسترده است (و اگر در جایی تحت فشار کفار و ستمگران بودید، می‌توانید به نقاط دیگری مسافرت کنید) و تنها مرا بپرستید. (چرا که پرستش توحیدی، رمز آزادگی و سرافرازی است.»

سوال ۷۵- علت نزول این دو آیه چه بود؟

جواب: علت نزول آیه اول این بود که قومی از اهل مکه مسلمان شده بودند در حالی که از هجرت با رسول خدا ﷺ سرباز زدند، بگونه‌ای که تعدادی از آنان به فتنه افتادند به ناچار به همراه مشرکین در پیکار بدر حضور یافتند، لهذا خداوند عذر آنان را نپذیرفت و با عذاب جهنم مجازاتشان کرد! و علت نزول آیه دوم این بود که گروهی از مسلمانان، در مکه بودند که هجرت نکرده بودند پس خداوند آنان را به اسم ایمان ندا داد و به هجرت تشویقشان کرد.

سوال ۷۶- دلیل تداوم و باقی بودن هجرت در حدیث چیست؟

جواب: رسول خدا ﷺ می فرماید:

«لَا تَنْقَطِعُ الْهَجْرَةُ حَتَّى تَنْقَطِعَ التَّوْبَةُ وَلَا تَنْقَطِعَ التَّوْبَةُ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِهَا».

یعنی: «هجرت قطع نخواهد شد مگر آنکه زمان توبه به پایان برسد و توبه به آخر نمی رسد مگر آنکه که خورشید از مغرب طلوع کند».

سوال ۷۷- بعد از آنکه رسول الله ﷺ در مدینه مستقر گردیند، چه فرمودند؟

جواب: سایر قوانین شریعت اسلام را فرمان دادند مانند: زکات، روزه، حج، اذان، جهاد و امثال آن.

سوال ۷۸- رسول خدا ﷺ چند سال به این قوانین فرمان می دادند؟

جواب: ده سال تمام، سپس ایشان ﷺ در حالیکه دینشان باقی بود رحلت کردند و این همان دینی است که هر چه خیر و رحمت در آن موجود بود ایشان ﷺ امتشان را بدان رهنمود ساخته اند و از هر چه شر و بدی در بین مردم بود بر حذرشان داشته است.

سوال ۷۹- آن خیری که رسول الله ﷺ امتشان را بدان رهنمود ساخته اند و آن شری که آنان را از آن بر حذر داشته اند چیست؟

جواب: آن خیر، توحید و تمام آنچه که خداوند متعال دوست می دارد و از آن خشنود می گردد، است و آن شر، شرک و تمام آنچه که خداوند آن را ناپسند دانسته و مورد خشم و غضبش می گردد، می باشد.

سوال ۸۰- آیا خداوند، رسول الله ﷺ را برای قبیله خاصی برانگیخته و مبعوث گردانیده است یا برای تمامی بشریت؟

جواب: خداوند، ایشان ﷺ را برای تمامی انسانها مبعوث گردانیده است و اطاعت از او ﷺ را بر تمامی ثقلین (جن و انسان) فرض گردانیده است.

سوال ۸۱- دلیل این سخن چیست؟

جواب: خداوند متعال می‌فرماید:

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا﴾ [الأعراف: ۱۵۸].

یعنی: «بگو (ای پیامبر) که ای مردم، من رسول خدا هستم به سوی تمامی شما». همچنین می‌فرماید:

﴿وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ﴾ [الأحقاف: ۲۹].

یعنی: «(ای پیغمبر خاطر نشان ساز) زمانی را که گروهی از جنیان را به سوی تو روانه کردیم تا قرآن را بشنوند».

سوال ۸۲- آیا خداوند متعال دینش را توسط رسولش حضرت محمد ﷺ کامل گردانید یا بعد از ایشان چنین کرده است؟

جواب: بله، خداوند دین را با ایشان ﷺ کامل گردانید بگونه‌ای که دیگر نیازی به ایشان در امور دین بعد از رحلت مبارکشان نباشد. (یعنی دین اسلام در عهد رسول الله ﷺ کامل گردیده و نیازی به نوآوری و بدعت‌های گمراه کننده وجود ندارد).

سوال ۸۳- دلیل این امر چیست؟

جواب: خداوند متعال می‌فرماید:

﴿= الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ

دِينًا﴾ [المائدة: ۳].

یعنی: «امروز (احکام) دین شما را برایتان کامل کردم و (با عزت بخشیدن به شما و استوار داشتن گامهایتان) نعمت خود را بر شما تکمیل نمودم و اسلام را به عنوان آئین خدا پسند برای شما برگزیدم».

سوال ۸۴- دلیل مرگ (رحلت) پیامبر ﷺ چیست؟

جواب: خداوند متعال می فرماید:

﴿إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ ﴿۳۰﴾ ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ ﴿۳۱﴾﴾ [الزمر: ۳۰-۳۱].

یعنی: «ای محمد! (مرگ از مسائلی است که همه انسانها برابر و در آن یکسانند، و شتری است که بر در خانه همه کس می خوابد، لذا) تو هم می میری و همه آنان هم می میرند (و سرانجام نیک و خوش و جاوید از آن پرهیزگاران است) سپس شما روز قیامت نزد پروردگارتان به نزاع و کشمکش می پردازید».

سوال ۸۵- آیا مردم بعد از مرگشان بر انگیخته می شوند یا نه؟

جواب: بله، همه مردم بر انگیخته خواهند شد و خداوند متعال چنین می فرماید:

﴿مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى ﴿۵۵﴾﴾ [طه: ۵۵].

یعنی: «ما شما را از زمین آفریده ایم و بدان باز می گردانیم و بار دیگر شما را از آن بیرون می آوریم برای حساب و کتاب و جزا و سزا».

همچنین می فرماید:

﴿وَاللَّهُ أَتْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا ﴿۱۷﴾ ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا ﴿۱۸﴾﴾ [نوح: ۱۷-۱۸].

یعنی: «خداست که شما را از زمین بگونه ای شگفتی آفریده است. سپس شما را به همان زمین بر می گرداند و بعد شما را به گونه شگفتی (زنده می گرداند و) از زمین بیرون می آورد».

سوال ۸۶- آیا مردم بخاطر اعمالشان بعد از برانگیخته شدن محاسبه می شوند و جزا داده می شوند؟

جواب: بله، بخاطر اعمال شان محاسبه خواهند شد و جزا خواهند دید، خداوند

می فرماید:

﴿لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسْتَوُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى﴾ [النجم: ۳۱].

یعنی: «سرانجام خداوند بدکاران را در برابر کارهایی که می‌کنند کیفر می‌دهد، و نیکوکاران را در برابر کارهایی که می‌کنند به بهترین وجه پاداش عطاء می‌کند».

سوال ۸۷- حکم آنکه «برانگیخته شدن بعد از مرگ» را تکذیب می‌کند چیست؟

جواب: براساس آیات قرآن کافر می‌باشد.

﴿زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَشَبَعْتُ لِمَا لَشَبَّونَ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَلِكِ عَلَىٰ اللَّهِ يَسِيرٌ﴾ [التغابن: ۷].

یعنی: «کافران می‌پندارند که هرگز زنده و برانگیخته نخواهند گردید! بگو: چنین نیست که می‌پندارید، به پروردگارم سوگند زنده و برانگیخته خواهید شد، سپس از آن چیزهایی که می‌کرده‌اید با خبرتان خواهند کرد، و این کار برای خدا ساده و آسان است».

سوال ۸۸- خداوند پیامبران را با چه چیزی فرستاد؟

جواب: آنان را با این پیام که موحدان (اهل توحید) را به بهشت بشارت بدهند و مشرکان را با عذاب آتش جهنم بترسانند و بیم دهند، به سوی مردم گسیل داشت.

سوال ۸۹- دلیل این امر چیست؟

جواب: سخن پروردگار جهانیان است که:

﴿رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَىٰ اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ﴾ [النساء: ۱۶۵].

یعنی: «ما پیغمبران را فرستاده‌ایم (تا مؤمنان را به ثواب) مژده رسان، و (کافران به عقاب) بیم دهنده باشند، و بعد از آمدن پیغمبران حجت و دلیل بر خدا برای مردمان باقی نماند (و نگویید که اگر پیغمبری به سوی ما می‌فرستادی، ایمان می‌آوریم، و راه طاعت عبادت در پیش می‌گرفتیم). و خدا چیره و حکیم است (و تمامی کارهایش از روی قدرت و حکمت انجام می‌پذیرد)».

سوال ۹۰- اولین رسول (پیامبر) کیست؟

جواب: حضرت نوح عليه السلام.

سوال ۹۱- دلیلش چیست؟

جواب: خداوند متعال می فرماید:

﴿إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ﴾ [النساء: ۱۶۳].

یعنی: «ما به تو (ای پیغمبر، قرآن و شریعت را) وحی کردیم همانگونه که پیش از تو به نوح و به پیغمبران بعد از او وحی کردیم».

سوال ۹۲- آیا در تاریخ حیات انسانها، ملتی بوده است که خداوند برایشان پیامبری را نفرستاده باشد تا آنها را به عبادت خدای یکتا به تنهایی دعوت کند و از طاغوتیان دورشان سازد؟

جواب: نه، هرگز چنین ملتی وجود نداشته که پیامبری به سویشان فرستاده نشده باشد. زیرا خداوند می فرماید:

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾ [النحل: ۳۶].

یعنی: «ما به میان هر ملتی پیغمبری را فرستاده‌ایم (و محتوای دعوت همه پیغمبران این بوده است) که خدا را تنها بپرستید و از طاغوت (شیطان، بتان، ستمگران و هر کس که از برنامه الهی طغیان کرده و سر پیچی کند) دوری کنید».

سوال ۹۳- طاغوت چیست؟

جواب: آن است که بنده از حد و مرزی که خداوند برایش معین نموده تجاوز و سرکشی کند حال فرق نمی‌کند که معبودی یا حاکمی یا تابعیت غیر از خدا را بپذیرد.

سوال ۹۴- تعداد طاغوتها چند تا است؟

جواب: فراوان و بی‌شمارند که سر کرده‌ها و رؤسای آنان پنج گروه می‌باشند:

- ۱- ابلیس (شیطان) که لعنت خدا بر او باد.
- ۲- هر کسی که مورد پرستش و اطاعت بی چون و چرا قرار گیرد و از این امر نیز خشنود باشد.
- ۳- هر کس مردم را به پرستش و اطاعت از خود فرا بخواند.
- ۴- هر کس که چیزی از علوم غیبی (امور غیب) را ادعا کند.
- ۵- هر کس به غیر از آنچه که خداوند نازل کرده حکم کند و فرمان دهد. (در حالیکه خداوند به ما فرمان داده و امر کرده است که به اینان کفر ورزیده و از ارتباط با آنان اجتناب و پرهیز نمائیم تا از گروه مسلمانان شویم).

سوال ۹۵- دلیل این امر چیست؟

جواب: خداوند متعال می فرماید:

﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ ۚ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ ۚ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿۱۳۶﴾﴾ [البقرة: ۲۵۶].

یعنی: «اجبار و اکراهی در (قبول و پذیرش) دین نیست چرا که هدایت و کمال از گمراهی و ضلال مشخص شده است بنابراین کسی به طاغوت (شیطان و بتها و معبودهای پوشالی و هر موجودی که بر عقل بشورد و آن را از حق منصرف کند) کفر بورزد و به خدا ایمان بیاورد. به محکم ترین دستاویزی در آویخته است. (و او را از سقوط و هلاکت می رهااند و) اصلاً گسستن ندارد. و خداوند شنوا و دانا است (و سخنان پنهان و آشکار مردمان را می شنود و از کردار کوچک و بزرگ همگان آگاهی دارد)».

همچنین باز می فرماید:

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ﴿۱۳۶﴾﴾ [آل عمران: ۶۴].

یعنی: «بگو: ای اهل کتاب، بیائید به سوی سخن دادگرانه‌ای که میان ما و شما مشترک است (و همه آن را بر زبان می‌رانیم، بیائید به آن عمل کنیم و آن این) که جز خداوند یگانه را نپرستیم، و چیزی را شریک او نکنیم، و برخی از ما برخی دیگر را، به جای خداوند یگانه به خدایی نپذیرد. پس هر گاه (از این دعوت) سر بر تابند. بگوئید: گواه باشید که ما تسلیم و مطیع محض (اوامر و نواهی خدا) هستیم».

این است همان معنای «لا اله الا الله» که در حدیث شریف آمده است:
 «رَأْسُ الْأَمْرِ الْإِسْلَامُ وَعُمُودُهُ الصَّلَاةُ وَذُرْوَةُ سَنَامِهِ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ».
 یعنی: «رأس هر کاری اسلام است و ستون اسلام نماز می‌باشد و قله و کمال اسلام جهاد در راه الله است و خداوند از هر کس و هر چیزی، آگاه‌تر و عالم‌تر است».
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي تَتِمُّ بِنِعْمَتِهِ الصَّالِحَاتُ.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

قواعد چهارگانه

از خداوند بزرگوار آن صاحب عرش عظیم می‌خواهم که در دنیا و آخرت تو را سرپرستی کرده و تحت ولایتش و دوستی‌اش قرار دهد، و هر جا که هستی به تو برکت و خیر عطا نماید، و اینکه تو را از زمره و گروه کسانی قرار دهد که هر گاه چیزی نصیبشان می‌گردد سپاس و شکر کرده و هر گاه به مصیبتی و آزمایشی مبتلا می‌گردند، صبر و شکیبائی را پیشه خود می‌کنند. و هر گاه گناهی انجام می‌دهند بلافاصله استغفار و آمرزش می‌طلبند. بدان که این صفتهای سه‌گانه آخر رمز و کلید سعادت و خوشبختی می‌باشند. بدان که خداوند تو را به اطاعت و فرمانبرداری از خودش رهنمود ساخته است. براستی که آیین حنیف در روش حضرت ابراهیم علیه السلام این است که خداوند یگانه را به تنهایی در حالی که دین را برایش خالص گردانیده‌ای باید عبادت و پرستش کنی. همانگونه که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ [الذاریات: ۵۶].

یعنی: «جن و انسان را خلق نکردم مگر آنکه مرا تنها عبادت کنند».

پس هر گه که دانستی خداوند تو را به جز برای عبادتش خلق نکرده پس بدان که عبادت هرگز عبادت نامیده نمی‌شود مگر در پرتو توحید^۱. همانگونه که نماز، نماز نامیده

۱- ابن کثیر در تفسیرش می‌گوید: یعنی آنان را خلق کردم تا بدیشان در جهت عبادتم فرمان دهم نه اینکه احتیاجی به آنان داشته باشم، می‌گویم: شکی نیست که جهان بر حالت صالح و مناسبی در جهت عبادت خلق شده است و آماده و مستعد آن است که خداوند سبحان در آنان اندیشه‌ها و عقول را سوار گرداند و برایشان حواس ظاهری و باطنی و سایر تواناییها را قرار دهد.

نخواهد شد مگر با طهارت و پاکی. بنابراین هرگاه شرک در عبادت، نفوذ کند آن را فاسد می‌گرداند همانگونه که نواقص وضو طهارت و وضو را فاسد و باطل می‌گرداند.

چه زیبا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِم بِالْكَفْرِ أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ ﴿١٧﴾﴾ [التوبة: ۱۷].

یعنی: «مشرکانی که به کفر خویش گواهی می‌دهند حق ندارند مساجد خدا را «با عبادت یا تعمیر و تنظیف و خدمت و ...» آباد کنند. آنان اعمالشان هدر و تباه است (و اجر و مزدی به کارهایشان تعلق نمی‌گیرد) و جاودانه در آتش دوزخ ماندگار می‌مانند».

حال که دانستی شرک هرگاه به عبادت راه یافته و به آن نفوذ کند، آن را فاسد گردانیده و اعمال را نابود ساخته و صاحبش را تا ابد جاودانه در آتش دوزخ ماندگار می‌کند، باید این را بدانی که شناخت شرک از مهمترین واجبات تو خواهد بود، شاید که الله تو را خالص و مخلص گرداند و از این دام مرگبار که همان شرک به خداست نجات دهد، و چه دقیق و زیبا پروردگار، خطرات شرک را بیان می‌کند:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ﴾ [النساء: ۱۱۶].

یعنی: «بی‌گمان خداوند شرک ورزیدن به خود را از کسی نمی‌آمرزد بلکه (گناه) پائین‌تر از آن را از هر کس که بخواهد و صلاح بداند می‌بخشد».

بنابراین واجب است که قواعد چهار گانه‌ای را که خداوند در کتابش (قرآن) بیان داشته بشناسی.

قاعده اول

اینکه بدانی کافرانی را که رسول خدا ﷺ با آنان جنگید و مقاتله کرد، اقرار می‌کردند که الله تعالی تنها کسی است که خالق و پدید آورنده و روزی دهنده و رازق و تدبیر کننده جهان هستی است، اما این اقرار و اعتقاد آنان را مسلمان نگردانید، و در جماعت

مسلمانان نیز وارد نساخت. (یعنی: بمجرد اعتقاد به این اصول «خلق، روزی دهندگی و تدبیر» کسی در مجموعه اسلام وارد نخواهد شد مگر آنکه الله را به تنهایی و خالص و بدون شریک در تمام صفاتش عبادت کند و خود را تابع و مطیع محض قوانین و شریعتش گرداند).

دلیل این مطلب سخن پروردگار حکیم است که می‌فرماید:

﴿قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿۳۱﴾﴾

[یونس: ۳۱].

یعنی: «بگو چه کس از آسمان (به وسیله اشعه و باران) و از زمین (به وسیله فعل و انفعالات خاک و رویش گیاهان و درختان و میوه آنها) به شما روزی می‌رساند یا چه کسی بر گوش و چشمها توانا است (و آنها را می‌آفریند و به آنها نیروی شنوائی و بینائی می‌دهد)؟! یا چه کسی زنده را از مرده، مرده از زنده بیرون می‌آورد. (و حیات و ممات در دست اوست)؟! یا چه کسی امور (جهان و جهانیان) را می‌گرداند (و کار ساز و کاردان است)؟! (پاسخ خواهند داد خواهند گفت: آن خداست «حتماً الله است») (چرا که آفریدگار جهان و روزی رسان مردمان و مدبر کار و یار هستی، به اقرار وجدان بیدار، خداوند دادار است). پس بگو: آیا نمی‌ترسید و پرهیزگار نمی‌شوید».

قاعده دوم

براستی آنان - مشرکین - می‌گویند: ما آنان (بتان، بزرگان، اولیاء و فرشتگان) را نمی‌خوانیم و به آنها روزی نمی‌آوریم مگر به امید آنکه سبب نزدیکی و شفاعت ما در نزد خداوند متعال گردند. و دلیل قربت و نزدیکی (دلیل آنکه خواند و دعای اولیاء بدین منظور که آنان را بر الله نزدیک گرداند شرک است) این سخن پروردگار بزرگ و حکیم است:

﴿أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ﴾ [الزمر: ۳].

یعنی: «هان آگاه باش و بدان! تنها طاعت و عبادت خالصانه برای خداست و بس. کسانی که جز خدا سرپرستان و یاوران دیگری بر می‌گیرند (و به آنان تقرب و توسل می‌جویند، می‌گویند): ما آنان را پرستش نمی‌کنیم مگر بدان خاطر که ما را به خداوند (الله) نزدیک گردانند. خداوند روز قیامت میان ایشان (و مومنان) درباره چیزی که در آن اختلاف دارند داوری خواهد کرد. خداوند دروغگوی کفر پیشه را (به سوی حق) هدایت و رهنمود نمی‌کند (و او را با وجود کذب و کفر به درک و فهم حقیقت نائل نمی‌گرداند).»

و دلیل شفاعت (دلیل آنکه خواندن و دعای اولیاء و توسل جستن به آنان برای برطرف کردن نیازها و حل مشکلات و نجات از بلاها و برگزیدن آنان به عنوان شفیعانی در نزد خداوند، شرک است) این سخن خداوند متعال است که:

﴿وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شَفَعَتُونَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَنْتَبِئُوكُمُ اللَّهُ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحٰنَهُ وَتَعٰلٰى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ [یونس: ۱۸].

یعنی: «اینان (مشرکین) غیر از خدا، چیزهایی را می‌پرستند که نه بدیشان زیان می‌رسانند و نه سودی عائدشان می‌سازد، و می‌گویند: اینها میانجیها و شفیعان ما در نزد خدایند (و در آخرت رستگارمان می‌نمایند!) بگو: آیا خدا را از وجود چیزهایی به نام بتان و شریکان خدا) با خبر می‌سازید که خداوند در آسمانها و زمین از آنها خبر و سراغی ندارد؟ (مگر شما بتها و اولیاء و بزرگان و فرشتگان را نماینده خدا نمی‌دانید؟ آیا ممکن است خدا اگر نماینده‌ای می‌داشت از وجود آن بی‌خبر می‌گشت، ولی شما از آن با خبر می‌شدید؟! خداوند منزّه (از هر گونه شریکی) و فراتر از آن چیزهایی است که مشرکان شریک و همکار و واسطه‌شان می‌دانند.»

شفاعت بر دو گونه است، شفاعت منفی و مشرکانه و شفاعت مثبت و موحدانه. شفاعت منفی و سلبی آن است که از غیر الله آنچه خواسته شود که کسی بجز خدا بر آن قادر و توانا نباشد و دلیلش هم آیه ۲۵۴ از سوره بقره است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِّن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَنَّ يَوْمٌ لَا بَيْعُ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفْعَةٌ ۗ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ [البقرة: ۲۵۴].

یعنی: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید (برخی) از آنچه بهره شما کرده‌ایم (در راه خدا) صرف و انفاق کنید، پیش از آنکه روزی فرا رسد که در آن نه داد و ستدی و نه دوستی و رفاقتی و نه میانجیگری و شفاعتی است، و کافران ستمگرند (و به خود و جامعه خویش ظلم می‌کنند، و نتیجه ظلم آنان در آن روز ظاهر خواهد شد)»^۱.

۱- حافظ عماد الدین مشهور به ابن کثیر در تفسیر این آیه می‌گوید: خداوند متعال بندگانش را به انفاق در راهش - راه خیر - از آنچه که روزیشان داده است امر می‌کند تا ثواب و پاداش آن در نزد پروردگار و صاحب اختیار شان ذخیره گردانند و به این عمل در زندگی دنیا مبادرت بورزند قبل از آنکه روز قیامت، روزی که در آن نه معامله‌ای است و نه دوستی است و نه شفاعت و میانجیگری است فرا رسد.

یعنی، جان، هیچ کس خریداری نمی‌شود و هیچ ثروتی هر چند که طلاها سراسر زمین را پر کند خرید نمی‌گردد و دوستی هیچ کس ثمر و بهره‌ای نمی‌رساند و نه اصل و نسبت و ریشه‌های فامیلی‌اش!

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ﴾ [المؤمنون: ۱۰۱]. و لا شفاعتی یعنی شفاعت، شفاعت کنندگان به آنان بهره و سودی نمی‌رساند، و اینکه خداوند می‌گوید:

﴿وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ [البقرة: ۲۵۴]. در اینجا الکافرون به عنوان مبتدا در خبر خودش که الظالمون است محصور گردیده یعنی به انحصار کشیده شده است یعنی هیچ ظالمی ظالم‌تر از آن کسی که خدا در روز قیامت او را کافر بنامد، نیست. ابن ابی حاتم از عطاء بن دینار روایت کرده است که گفت: شکر و سپاس خاص خدایی است که گفت: ﴿وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ و نگفت «والظالمون هم الکافرون» و خداوند از هر کس عالم‌تر و آگاه‌تر است.

محمد منیر دمشقی

یعنی هیچ کس جسارت و شهامت آن را ندارد که در پیشگاه الله برای کسی طلب شفاعت کند آن هم بخاطر عظمت و جبروت و کبریایی‌اش همچنانکه در حدیث شفاعت آمده است: «آتی تحت العرش فأخر ساجداً

و شفاعت مثبت و ایجابی آن است که از خداوند متعال درخواست می‌گردد و در حالیکه شفاعت کننده نزد پروردگار مکرم و محترم می‌باشد و آن کسی که می‌خواهد در حقش شفاعت صورت گیرد خداوند از سخن و عملش راضی و خشنود می‌باشد تازه آن هم بعد از اذن و اجازه پروردگار صورت خواهد گرفت (و باید چنین گفت: خداوند، شفاعت پیامبرت حضرت محمد ﷺ را نصیب من گردان نه اینکه مستقیماً از حضرت محمد ﷺ یا اولیاء یا دیگران درخواست کرد که این عمل شرک است البته این شفاعت بجز از خداوند یگانه درخواست نمی‌گردد زیرا آنان همه ملک و دارایی خداوند یگانه هستند پس هر کس که از غیر خدا طلب شفاعت کند مشرک می‌گردد و به آن جهت حرکت کرده که با درخواستش منافات داشته و در نتیجه، مقصودش حاصل نخواهد شد. زیرا الله بجز از توحید خشنود نمی‌گردد و اجازه شفاعت نمی‌دهد مگر برای اهل توحید (موحدان) همچنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ﴾ [البقرة: ۲۵۵].

یعنی: «کیست که در پیشگاه او شفاعت و میانجیگری کند مگر با اجازه او».

﴿وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى﴾ [الأنبياء: ۲۸].

یعنی: «و آنان هرگز برای کسی شفاعت نمی‌کنند مگر برای آن کسی که (بدانند) خدا از او خشنود است (و اجازه شفاعت او را داده است)».

﴿قُلْ لِلَّهِ الشَّفَعَةُ جَمِيعًا﴾ [الزمر: ۴۴].

فیدعني ما شاء الله أن يدعني ثم يقال: ارفع رأسك وقل تسمع واشفع تشفع، قال: فيحد لي حداً فأدخلهم الجنة». یعنی: «در روز قیامت به طرف پایین عرش می‌روم و به سجده می‌افتم پس مرا رها می‌کند هر اندازه که خودش می‌خواهد رها کند سپس گفته می‌شود: سرت را بلند کن و بگو که پذیرفته و شنیده می‌شود و شفاعت کن که شفاعت تو پذیرفته می‌شود، فرمود: پس برای من حد و حدودی معین می‌شود که آنها را خدا وارد بهشت می‌گرداند خداوند از هر کس عالم‌تر و آگاه‌تر است».

یعنی: «بگو هر گونه میانجیگری و شفاعت از آن خداست (و کسی نمی‌تواند کمترین میانجیگری بکند، مگر اینکه، کسی که برای او میانجیگری و شفاعت می‌شود مورد رضایت خدا بوده و به شخص میانجی هم اجازه این کار داده شود و شفاعت هم حسنه باشد)».

قاعده سوم

همانا رسول اکرم ﷺ در میان مردم مبعوث گردید که در عبادت‌هایشان به شیوه‌های گوناگون و متفاوتی عمل می‌کردند، گروهی از آنان فرشتگان را عبادت می‌کردند و گروهی دیگر پیامبران و صالحان را عبادت می‌کردند و گروه بعدی متوجه درختان و سنگها می‌شدند و برایشان تعظیم و تکریم می‌نمودند و دسته‌ای هم مشغول پرستش خورشید و ماه بود. رسول الله ﷺ با تمام این گروهها بدون آنکه بین شان فرقی بگذارد قتال کرد و جنگید و نابودشان ساخت. شاهد این ماجرا هم آیات قرآن کریم است.

﴿وَقَتَلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ﴾ [البقره: ۱۹۳].

یعنی: «و با آنان پیکار کنید تا فتنه‌ای باقی نماند (و نیروئی نداشته باشند که با آن بتوانند شما را از دین تان برگردانند) و دین خالصانه از آن خدا گردد (تا مومنان جز از خدا نترسند و آزادانه و دستور آئین خویش زیست کنند)».

و تعظیم و پرستش خورشید و ماه و سایر ستارگان و اعتقاد به اینکه آنها دارای تأثیر و تصرفاتی در حوادث و اتفاقات این دنیای پست (زمین) هستند شرک می‌باشد. دلیل آن آیات قرآن مجید است.

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ﴾ [فصلت: ۳۷].

یعنی: «از نشانه‌های (قدرت) خدا، شب و روز و خورشید و ماه است. برای خورشید و ماه سجده نکنید، برای خدائی که آنها را آفریده است سجده کنید، اگر واقعاً او را پرستش و عبادت می‌کنید».

و دلیل آنکه پرستش و عبادت فرشتگان شرک است، سخن خداوند متعال است که:

﴿وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّنَ أَرْبَابًا﴾ [آل عمران: ۸۰].

یعنی: «و (هیچ کس از پیغمبران) به شما فرمان نمی‌دهد که فرشتگان و پیغمبران را به پرودگاری و ربوبیت خود گیرید».

دلیل آنکه پرستش و عبادت و خواندن انبیاء و رسولان در دعا شرک است، آیه ۱۱۶ سوره مائده می‌باشد:

﴿وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَعْيسَى ابْنَ مَرْيَمَ ءَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمِّي آلِهَتَيْنِ مِنَ دُونِ اللَّهِ ۗ قَالِ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقِّ ۚ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ ۚ تَعَلَّمْ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ ۚ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّمُ الْغُيُوبِ ﴿۱۱۶﴾ [المائدة: ۱۱۶].

یعنی: «و (خاطر نشان ساز) آنگاه را که خداوند می‌گوید: ای عیسی پسر مریم، آیا تو به مردم گفته‌ای که بجز الله، من و مادرم را هم دو خدای دیگر بدانید (و ما دو نفر را نیز پرستش کنید؟). عیسی می‌گوید: تو را از آن منزه می‌دانم که دارای شریک و انباز باشی. مرا نسزد که چیزی را بگویم (و بطلبم که وظیفه و) حق من نیست. اگر آن را گفته باشم بیگمان تو از آن آگاهی. تو (علاوه از ظاهر گفتار من) از راز درون من هم با خبری، ولی من (چون انسان بیش نیستم) از آنچه بر من پنهان می‌داری بی‌خبرم، زیرا تو دانندهٔ رازها و نهانهای (از اسرار و نوایای امور با خبری)»!

دلیل آنکه پرستش اولیاء و صالحان در دعاها و استغاثه‌ها (درخواست کمک از آنان) و توسل به آنان شرک به الله تعالی – منزه است از آنچه برایش شریک می‌گیرند – می‌باشد، آیه ۵۷ از سوره «اسراء» می‌باشد.

۱- امام بخاری با سندش از عبدالله درباره آیه: ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ...﴾ نقل می‌کند: که گروهی از جنیان بودند که پرستش می‌شدند پس اسلام آوردند. و همچنین از او نقل شده است گفت: درباره گروهی از عربها نازل گردید که تعدادی جن را پرستش می‌کردند پس جنها ایمان آورده و مسلمان شدند ولی انسانهایی که آنان را عبادت می‌کردند از اسلام شان خبردار نشدند سپس این آیه نازل شد. و الله اعلم.

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ﴾ [الإسراء: ۵۷].

یعنی: «آن کسانی را که به فریاد می‌خوانند و (خدا گونه‌هایشان می‌دانند) آنان که از همه مقرب‌ترند (به درگاه الله، همچون عیسی و عزیر و فرشتگان) برای تقرب به پروردگارشان وسیله می‌جویند (که طاعات و عبادات است) و به رحمت خدا امیدوار و از عذاب او هراسناکند». دلیل آنکه تعظیم درختان و سنگها و قبور اولیاء و تبرک جستن به آنها و برایشان قربانی و نذر دادن تا حاجتها و نیازهایشان برطرف شده و مصیبتها و بلاهایشان دور گردد و اینکه با اعتکاف کنار آنها و پرستش و عبادت در آنجا تبرک می‌جویند و از پردها و خاکهایش تبرک و خیر می‌طلبند، شرک است، آیات ۱۹-۲۰ سوره نجم می‌باشد.

﴿أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ ﴿۱۹﴾ وَمَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَىٰ ﴿۲۰﴾﴾ [النجم: ۱۹-۲۰].

یعنی: «آیا چنین می‌بینید (و اینگونه معتقدید) که لات و عزی و منات، سومین بت دیگر معبود شما و دختران خداوند و دارای قدرت و عظمت می‌باشند!».

۱- خداوند متعال این مطلب را می‌گوید تا مشرکین را در عبادت‌هایشان بگوید و خرد نماید که چگونه بتا و هیکلها و هم‌آوردانی را عبادت و پرستش می‌کردند و برایشان خانه‌هایی برتر از کعبه‌ای که ابراهیم خلیل علیه السلام بنا کرده بود، می‌ساختند.

«اللَّات»: صخره نقش داری در طائف بود که برایش خانه‌ای در طائف ساخته بودند که دارای پرده‌ها و حیاط و صحن بزرگ بود و خدمتکارانی در آنجا خدمت می‌کردند، این بارگاه نزد اهل طائف بسیار محترم و بزرگ بود که آنان از طائفه ثقیف و توابع آن بودند که بعد از قریش، به خاطر آن به دشمنان‌شان از قبایل عرب افتخار می‌کردند.

«الْعُزَّىٰ»: درختی بود که برایش بارگاه و پرده دارانی مقرر کرده بودند مکانش در سرزمین نخله بین مکه و طائف بود و قریش آن را بزرگ می‌داشت و احترام می‌کرد. بدین سبب بود که ابوسفیان در غزوه احد گفت: ما عزی داریم و شما عزی ندارید. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله به اصحابش فرمود: «بگوئید: الله مولی و یاور ماست و شما و مولی و یآوری ندارید».

«مَنَاة»: (صخره‌ای قشنگ) در سرزمین مشلل در قریه‌ای بین مکه و مدینه بود که قبیله خزاعه و اوس و خزوج در عصر جاهلی آن را بزرگ داشته و احترام می‌کردند و جهت مراسم حج از آنجا به سوی کعبه حرکت

ابو واقد لیشی رضی الله عنه روایت می‌کند که: (روزی) به همراه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به سمت حنین خارج شدیم و ما در آن روز به عهد جاهلیت و کفر نزدیک بودیم (تازه مسلمان شده بودیم). مشرکین درخت سدري (کناری) داشتند که سلاحهایشان را بدان می‌آویختند که به آن «ذات انواط» می‌گفتند.

ما نیز از کنار آن درخت سدر عبور کردیم، پس گفتیم: ای رسول خدا، برای ما هم ذات انواطی مانند آنچه که مشرکین دارند، قرار بده، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: الله اکبر براستی که این قانون جاری در جوامع است، سوگند به کسی که جانم در دست اوست آنچه که شما گفتید همانند آن است که بنی اسرائیل به حضرت موسی علیه السلام گفتند:

﴿أَجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ﴾ [الأعراف: ۱۳۸].

می‌کردند، پس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گروهی از اصحابش را برای ویران ساختن آن فرستاد «خالد بن ولید - سیف الله» را به سوی مشرکین آنجا گسیل داشت و او نیز آن را نابود ساخت در حالیکه این سرود را می‌خواند.

يَا عَزَّ كَفَرْنَا لَا سُبْحَانَكَ
إِنِّي رَأَيْتُ اللَّهَ قَدْ أَهَانَكَ

یعنی: ای عزیزی ما تو را تکفیر کرده و قبول نداریم و هرگز تو را به پاکی و تنزیه نمی‌ستائیم، من خود دیدم که چگونه الله تو را خوار و ذلیل کرد. و رسول خدا صلی الله علیه و آله مغیره بن شعبه و ابوسفیان صخر بن حرب را به سوی لات اعزام کرد پس نابودش ساختند و در محل آنجا مسجدی برای اهل طائف بنا کردند.

و همچنین حضرت صلی الله علیه و آله ابوسفیان صخر بن حرب را به سوی منات فرستادند پس آن را نیز نابود ساخت (گفته شده است که آن را حضرت علی رضی الله عنه نابود ساخته است). بنابراین، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دین حق و اخلاص در عبودیت و یگانه دانستن معبود بر حق، بطلان عاداتهای زشت و ناپسند و بطلان هر آنچه را که بگونه‌ای به شرک آلوده بود را آورد و به همین گونه اصحاب کرام و بزرگوارش عمل می‌کردند و از ایشان صلی الله علیه و آله بعد از رحلت تبعیت کردند تا آنکه اوضاع آشفته و درهم شد و خشک و تر بهم سوختند و شیاطین و انحرافات باطل بر اندیشه‌ها و تفکرات بسیاری از مسلمین یورش بردند، و پرستش و عبادت بتان را تجدید کردند و این بار با بنایی جدید و نمایی فریبنده و بویژه در دوران معاصر که عصر جهل مرکب و تصاویر افسونگر است به گونه‌ای که مصیبت و انحراف پر آوازه و بزرگ شده و عمومیت یافته آن هم درست در زمان که علم و اندیشمندان همه سکوت کرده و لب فرو بستند مگر آنانی که خداوند بدیشان همت و اراده داده است. ﴿إِنَّا لِلَّهِ

وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾
شیخ محمد منیر دمشقی

یعنی: «قرار بده برای ما خدائی همانگونه که آنها خدایانی دارند، گفت: براستی که شما قومی جاهل و نادان هستید. بله، حتماً شما بر همان قوانین و آداب سوار خواهید شد. یعنی: رفتار) نصاری و یهود را تقلید خواهید کرد!».

(رواه الترمذی)

قاعده چهارم

این است که مشرکان عصر ما شرکشان بسیار شدیدتر و بدتر از دوران جاهلیت (عصر اولیه) می باشد زیرا مشرکان عصر جاهلی در هنگام رفاه و آسایش تن به شرک و بت پرستی و تعظیم طاغوتیان می دادند ولی در هنگام سختی و شدت خالصانه به سوی الله بی شریک روی آورده و لباس راستین توحید بر تن می کردند اما مشرکان زمان ما در شدت و سختی و رفاه و آسایش دائماً در شرک و انحراف بسر می برند.

خداوند متعال در این باره می فرماید:

﴿فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّيْنَاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ

﴿[العنكبوت: ۶۵].﴾

یعنی: «هنگامی که مشرکان سوار بر کشتی می شوند (و ترس و نگرانی بر آنان غلبه می کند) خالصانه و صادقانه خدای بی شریک را به فریاد می خوانند (و خدایان دیگر را فراموش می کنند)

۱- این حدیث را امام ترمذی تخریج کرده و صحیح قرارش داده است مشرکین در آنجا سلاح هایشان را به عنوان تبرک و بزرگداشت آویزان می کردند لهذا صحابه تازه مسلمان گمان می کردند این امر نزد خداوند متعال محبوب و پسندیده است و قصدشان از این سخن تقرب به سوی خداوند سبحان بود زیرا آنان دقیق تر و حساس تر از آن بودند که قصد مخالفت با رسول الله ﷺ را داشته باشند. باقیمانده حدیث با شرحش در کتاب توحید ذکر شده است تحت عنوان حقوق خدا بر بندگانش. جهت درک و آگاهی بیشتر به آنجا مراجعه نمائید. و الله اعلم

سپس هنگامی که خداوند آنان را نجات داد و سالم به خشکی رساند، باز ایشان شرک می‌ورزند (برای خداوند یگانه و متعال، شریکانی می‌گیرند)».

بنابراین، بسیاری از کسانی را که به عنوان اولیاء و ضریح مشایخ و سادات بزرگ داشته و پرستش و عبادت می‌کنند می‌بینیم که در شرکشان اخلاص داشته و آنان را با تمام وجود در دعاهایشان می‌خوانند و در حالت سختی و شدت و آسایش نیز از بارگاهشان استغاثه کرده و امداد می‌طلبند، بلکه گروهی از آنان در حالتی که سختی و بلا و مصیبت شدت می‌گیرد شرکشان بیشتر شده و گمراه‌تر می‌گردند بر خلاف مشرکین اولیه که فقط در حالت رفاه و شادمانی برای الله شریکانی قرار می‌دادند و در سختی و مصیبت‌ها دعاها و زاری‌هایشان و خشوع و تضرع شان را فقط برای الله خالص می‌گردانیدند همانگونه که قرآن کریم به این امر گواهی می‌دهد. متأسفانه مشرکان عصر ما (عصر ترقی و پیشرفت و علم - عصر کامپیوتر) در رفاه و سختی، دائماً اولیاء - بزرگان و امامان - را می‌خوانند در هر زمان از آنان طلب کمک و استغاثه و فریاد رسی دارند!!!

وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

و تنها الله است که حق می‌گوید و تنها اوست که به راه مستقیم هدایت می‌کند.

﴿قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَتُ رَحْمَتِهِ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ﴾ [الزمر: ۳۸].

یعنی: «بگو: آیا چیزهایی را که بجز خدا به فریاد می‌خوانید چنین می‌بینید، که اگر خدا بخواهد زیان و گزندى به من برساند، آنها بتوانند آن زیان و گزند خداوندی را برطرف سازند؟ و یا اگر خدا بخواهد لطف و مرحمتی در حق من روا دارد آنها بتوانند جلوی لطف و مرحمتش را بگیرند و آن را باز دارند؟ بگو: خدا مرا بس است. توکل کنندگان تنها بر او تکیه و توکل می‌کنند و بس».

﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَأَلَّهُ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَّا تَدَّكَّرُونَ﴾ [النمل: ۶۲].

یعنی: «(آیا تنها بهترند) یا کسی که به فریاد درمانده می‌رسد و بلا و گرفتاری را برطرف می‌کند هر گاه او را به کمک بطلبد، و شما (انسانها) را (بر قانون حیات دائماً بطور متناوب) جانشین (یکدیگر در) زمین می‌سازد (و هر دم اقوامی را بر این کره خاکی مسلط و مستقر می‌گردان، حال با توجه بدین (امور) آیا معبودی با خدا همراه است؟ واقعاً شما بسیار کم اندرز و پند می‌گیرید».

﴿وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ ﴿۱۳﴾ إِنَّ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ ﴿۱۴﴾﴾ [فاطر: ۱۳-۱۴].

یعنی: «و بجز او کسانی که به فریاد می‌خوانید (و پرستش و عبادت می‌کنید) حتی مالکیت و حاکمیت پوسته نازک خرمائی را ندارند. اگر آنها را (برای حل مشکلات و رفع گرفتاریهای خود) به فریاد بخوانید، صدای شما را نمی‌شنوند و بپرض اگر هم بشنوند، توانائی پاسخگویی به شما را ندارند و (گذشته از این) در روز قیامت انبازگری و شرک‌ورزی شما را رد می‌کنند. (و می‌گویند: شما ما را پرستش نکرده‌اید و بی‌خود می‌گوئید) و هیچ کس همچون (خداوند) آگاه از احوال آخرت به گونه قطعی و یقینی، از چنین مطالبی) تو را با خبر نمی‌سازد».

﴿وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَن دُعَائِهِمْ غَفْلُونَ ﴿۵﴾ وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ ﴿۶﴾﴾ [الأحقاف: ۵-۶].

یعنی: «چه کسی گمراه‌تر از کسی است که افرادی را بفریاد بخواند و پرستش و عبادت کند که (اگر) تا روز قیامت (هم ایشان را بفریاد بخواند و پرستش کند) پاسخش نمی‌گویند؟ نه تنها پاسخش را نمی‌دهند، بلکه سخنانش را هم نمی‌شنوند) و اصلاً آنان از پرستشگران و بفریاد خواهندگان غافل و بی‌خبرند و زمانی که مردمان (در قیامت) گرد آورده می‌شوند. چنین پرستش شدگان و بفریاد خواسته شدگانی، دشمنان پرستشگران و بفریاد خواهندگان می‌گردند (و از ایشان بی‌زاری می‌جویند) و عبادت ایشان را (نفی می‌کنند و نمی‌پذیرند....) و تنها خداوند است که

توفیق دهنده است و همچنین اوست که به راه مستقیم هدایت می‌کند و هیچ نیرو و قدرتی بجز
الله وجود ندارد».

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

عقیده سلف صالح

اما بعد... من اعتقاد دارم که الله تنها معبود و قانونگذار و فریادرس و اجابت کننده دعاها و روزی دهنده و است و هیچ معبودی بجز او نیست و او تک و تنها و بی نیاز می باشد در حالی که تمامی موجودات به آن نیازمندند نه می زاید و نه از کسی زاده شده است و هیچ همورد و همتایی ندارد. و اینکه هیچ کس به جز او سزاوار نیست چیزی از اقسام عبادت در حقش صورت گیرد و هرکس که چیزی از انواع عبادت را در حق غیر الله انجام دهد پس او کافر و مشرک است.

و عبادت اسم جامع و شاملی است که در بر دارنده هر آنچه است که خداوند متعال دوستش می دارد و از آن خشنود می گردد حال فرقی نمی کند از گفتار باشد یا کردار، مانند: ارکان پنج گانه اسلام، دعا و رجاء و خوف توکل، رغبت و رهبت^۱ استعانه^۲، استغاثه^۳ و ذبح^۴ و نذر و سایر اقسام عبادت. همانا خداوند سبحان به هر آنچه که خودش را توصیف کرده موصوف می باشد و به همانچه که خود را نامیده، نامیده می شود و هر آنچه که رسولش ﷺ از صفات علیا به عنوان وصفی حقیقی نه مجازی توصیفش کرده و از اسماء حسنی نامیده است، موصوف می باشد. مانند استقرارش بر عرشش یعنی به ذاتش بر آن علو یافته و قرار گرفتن بدون هرگونه کیفیت و هرگونه تشبیه و یا تمثیلی همانگونه که خداوند متعال می فرماید:

۱- میل و علاقه بیم و هراس داشتن.

۲- کمک و یاری خواستن.

۳- داد خواستن.

۴- قربانی کردن حیوانات.

﴿الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى﴾ [طه: ۵].

براستی که او متکلم است با کلامی قدیم که تک تک کلماتش حادث است همانگونه که از سلف نقل شده است آنها می‌گویند که الله همیشه متکلم و هر گاه خواسته تکلم کرده است. از نمونه‌های کلامش قرآن است که الفاطی است که بر حضرت محمد ﷺ در جهت تعبد و تسلیم نسبت به آن و اعجاز نازل گردیده است، همان کلماتی که جبرئیل علیه السلام بدون واسطه از خداوند متعال شنید و با همان حروف و معانی همانطور که از الله - عزوجل - شنیده بود بر حضرت محمد ﷺ نازل کرد و این عبارات قرآن نه ساخته و پرداخته جبرئیل است و نه حضرت محمد ﷺ و نه در آن تصرفی کرده‌اند. بله آن کلام خداست و خداوند سبحان با حرف و صوت تکلم می‌کند همانگونه که حضرت موسی علیه السلام را که به کنار آن درخت آمده بود، ندا داد و صدا زد:

﴿إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَأَخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى﴾ [طه: ۱۲].

یعنی: «بدون شک من پروردگار تو می‌باشم، کفشهایت را از پایت بیرون بیاور، چرا که در سرزمین پاک و مبارک (طوی) هستی». و بندگانش را با صدایی که از دور چنان شنیده می‌شود که گویا نزدیک است صدا زده و ندا می‌دهد.

«أَنَا الْمَلِكُ، أَنَا الدَّيَّانُ».

و همانند همین حالت پیامبران و فرشتگانش و هر کس از بندگانش را که بخواهد مورد خطاب قرار می‌دهد یا از کتابهایش بر آنان فرو می‌فرستد و یا از تک تک کلمات غیر ازلی‌اش بر آنان نازل می‌کند. اما این کلام، مخلوق نیست زیرا از صفاتش بوده و صفات او همگی غیر مخلوق می‌باشد.

همانا خداوند سبحان دوست می‌دارد و خشنود می‌گردد ناپسند می‌دارد، فرود می‌آید، زنده می‌کند، می‌میراند، ناراض می‌گردد، و از توبه بنده‌اش بسیار شادمان و خوشحال می‌گردد.

خداوند سبحان را مومنان در روز قیامت با چشمانشان می‌بینند همانگونه که آیات و احادیث صحیح بر این امر دلالت می‌کنند. و تمام اینها از صفات اوست صفاتی که هیچ صفتی شبیه آنها نیست و حقیقی بوده و مجازی نمی‌باشد همانگونه که کتاب و سنت آن را ثابت می‌گرداند.

﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ۝ اللَّهُ الصَّمَدُ ۝ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ۝ وَلَمْ يَكُن لَّهُ كُفُوًا أَحَدٌ ۝﴾
[الإخلاص: ۱-۴].

اینها همان است که به آن اعتقاد داریم و تسلیم محض و بی‌اعتراض آن می‌باشیم، و بدون هر گونه کیفیت و هر گونه تشبیه و تمثیل و تعطیل (استراحت کردن برای خدا یا رها کردن بندگان) خداوند را به اسماء و صفاتش می‌شناسیم.

﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ [الشوری: ۱۱].

یعنی: «هیچ چیز شبیه او نیست و فقط اوست که بسیار شنوا (پذیرنده طاعت و مناجات) و بسیار بینا و آگاه است».

و شهادت می‌دهم که محمد ﷺ بنده و رسولش به سوی تمامی ثقلین - جن و انس - می‌باشد. و اینکه او رسالتش را به خوبی و کامل به پایان رسانید و امانت (دعوت) را اداء کرد و امتش را نصیحت کرد و تا هنگامی که خداوند دین را کامل گردانید در راه خدا جهاد کرد تا آنکه فرمود:

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾
[المائدة: ۳].

یعنی: «امروز (احکام) دین شما را برایتان کامل کردم و (با عزت بخشیدن به شما و استوار داشتن گامهایتان) نعمت خود را بر شما تکمیل نمودم و اسلام را به عنوان آئین خدا پسند برای شما برگزیدم».

سپس پروردگارش را برگزید به رفیق اعلی - دوست برتر و بزرگترش، الله - ملحق گردید و دنیا و اهلس را رها کرد.

و اینکه هیچ کس ایمان نمی‌آورد مگر آنکه هوای نفس و آرزوها و امیال و اعتقادهایش را مطابق و تابع آنچه بکند که رسول الله ﷺ آورده است. تا آنجا که رسول ﷺ از جان (خودش)، فرزند و تمام مردم محبوب‌تر و عزیزتر می‌باشد. معنای محبت رسول الله ﷺ اطاعت از فرامین او و تصدیق آنچه خبر می‌دهد و پرهیز و تنفر از آنچه که نهی می‌کند، می‌باشد. اینکه محب (دوستدار) او ﷺ خداوند متعال را عبادت نکند مگر آنگونه که حضرت ﷺ در شریعت بیان داشته است. و نه اینکه در حقش غلو و زیاده روی کرده بگونه‌ای که رضای پروردگار در آن نیست. و مبدا منزلت و مقام حضرت رسول ﷺ را از آنچه که خداوند تعیین کرده در دعاها و استغاثه‌ها (کمک طلبیدن و داد خواستن) بالاتر ببرد زیرا رسول رحمت ﷺ فرموده است.

«الدُّعَا هُوَ الْعِبَادَةُ».

یعنی: «دعا خود عبادت است».

و همچنین حضرت ﷺ می‌فرماید:

«إِنَّهُ لَا يُسْتَعَاثُ بِي وَإِنَّمَا يُسْتَعَاثُ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ».

یعنی: «به نزد من - زنده یا مرده - استغاثه نمی‌شود فقط و فقط به بارگاه الله - عزوجل - استغاثه و دادخواهی می‌شود. «در اموری که نیاز به امدادهای غیبی و نیروهای مافوق مادی می‌باشد».

استغاثه به رسول الله ﷺ شرک به خداوند متعال محسوب می‌شود تا چه رسد به اولیاء و مدعیان علوم شهودی و مشایخ و!!!

وابستگی به غیر خداوند متعال در جلب خیر و دفع شر، چه مستقلاً و چه با واسطه شرک است. (یعنی: وابستگی قلب به اولیاء و جنیان با توکل کردن و پناه بردن و التجاء به آنان و توبه‌های روحانی با انواع خیرات و صدقات و قربانی دادن‌ها برای آنان در جهت برآوردن حاجتها و نیازها و بر طرف نمودن مصیبتها و بلایا، شرک به خداوند متعال محسوب می‌گردد حال فرق نمی‌کند به نام طلسم یا توسل و یا باشد همه این موارد

شرک محض و گمراهی آشکاری است. زیرا خداوند، کتابی نفرستاد و پیامبری را مبعوث نگردانید مگر برای بطلان و نابودی و قطع ریشه‌های این شرک و گمراهی و پاک گرداندن قلبها و ضمیرها از آن!

«وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ».

و اعتقاد داریم که فرشتگان و کتابهای آسمانی از جانب الله حق هستند و پیامبران همگی حقد، برانگیخته شدن بعد از مرگ حق است.

بهشت (جنت) حق است.

جهنم (دوزخ) حق است.

ایمان داریم، میزان (ترازوی اعمال در قیامت) نیز حق است و همچنین حوض پیامبر ما ﷺ حق است، بگونه‌ای که هر کس از آن بنوشد هرگز تشنه نمی‌گردد و از هر گونه تغییر و تبدیل در امان می‌باشد.

به قدر (آنچه خداوند تدبیر کرده است) و خیر و شرش ایمان می‌آوریم و معتقدیم شفاعت پیامبر ما حضرت محمد ﷺ و تمام پیامبران علیهم‌السلام و صالحان حق است. ولی بعد از اجازه و اذن خدا برای شفاعت کننده و رضایت و خوشنودیش از آن کسی می‌خواهد در حقش شفاعت شود.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ﴾ [البقرة: ۲۵۵].

یعنی: «چه کسی می‌تواند در برابرش (خداوند) شفاعت و میانجیگری کند؟ مگر با اجازه و اذن پروردگار».

و باز می‌فرماید:

﴿وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ أَرْتَضَى﴾ [الأنبياء: ۲۸].

یعنی: «نمی‌توانند در حق کسی شفاعت و میانجیگری کنند مگر آن کسی که خداوند از او راضی و خشنود گردید»^۱.

پیامبر ما ﷺ اولین کسی است که شفاعت می‌کند و اولین کسی است که به او اجازه شفاعت داده می‌شود. ایشان در شفاعاتی خاص و منحصر گردیده‌اند که دیگران در آن شرکت ندارند. اول آن شفاعت در آنچه که بدان حکم داده شده است که این همان «مقام محمودی» است که انبیاء و رسولان غبطه‌اش را می‌خورند.

و از انواع این شفاعت در اخراج و بیرون آوردن کسانی است که وارد دوزخ گردیده‌اند. و از این انواع شفاعت، روانه کردن آنان به سوی بهشت است بعد از آنکه پاک گردیده و آراسته و مهذب شدند.

و اعتقاد داریم بهترین قرن‌ها (زمانها) قرنی (زمانی) است که گروهی از مؤمنان که همان اصحاب رسول الله ﷺ هستند که بدور ایشان جمع شدند سپس عصر تابعین (کسانی که به نیکی از آنان (صحابه) پیروی می‌کردند) می‌باشد، همانگونه که ﷺ می‌فرماید:

«خَيْرُ الْقُرُونِ قَرْنِي، ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ، ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ».

یعنی: «بهترین زمانها، زمان من است سپس کسانی که بعد از آنان می‌آیند (عصر تابعین) سپس باز کسانی که بعد آنان می‌آیند».

۱- صحیح آن است که شفاعت در بیرون آوردن کسی که بخاطر گناهش وارد جهنم می‌شود ویژه و خاص رسول کریم ﷺ نیست، بلکه شفاعت مشترکی است که از احادیث وارده از ایشان ﷺ فهمیده می‌شود. تنها آن چیزی که رسول اکرم ﷺ به آن اختصاص یافته‌اند، شفاعت عظمی است که سبب ورود اهل جنت می‌شود همانگونه که حدیث صحیح بدان تصریح دارد. و همچنین شفاعت در تخفیف و کم کردن عذاب عمویس ابوطالب از خصوصیت‌های شفاعت حضرت ﷺ می‌باشد تنها خداوند است که توفیق می‌دهد. این مطلب، گفتار عبدالعزیز بن عبد الله بن باز رئیس عام اداره افتاء و پژوهش‌های علمی و دعوت و ارشاد می‌باشد. عفا الله عنه ووفقه لكل خير.

و اعتقاد داریم، بهترین کلام و سخن، کلام خداوند متعال است و بهترین هدایت، هدایت حضرت محمد ﷺ می‌باشد. و بدترین و شرترین کارها نوآوری و بدعت در شریعت است و هر بدعتی در دین گمراهی و ضلالت است.

اگر ترس از طولانی شدن مطلب نبود برای هر کلام از این مسائل دلایلی از کتاب و سنت رسول الله ﷺ و اجماع سلف صالح می‌آوریم.

از خداوند متعال خواهانیم که ما را به راه مستقیمش در تمام گفتارها و کردارها (اعمال) هدایت و رهنمود سازد و ما را از انحراف و گمراهی‌ای فتنه‌ها چه آشکار و چه نهان حفظ کرده و نگهداری کند و بالاخره ما را بر آئین اسلام بمیراند.

صلی الله علی نبینا محمد وآله وصحبه وسلم

شیخ محمد طیب بن اسحاق انصاری

مدینه منوره سال ۱۳۵۸ هجری قمری

متوفی در سال ۱۶۹۳/۳/۷ هجری قمری

امید است این رساله نصیحت و یاد آوری برای خودش و برادران مسلمانانش باشد.

رحمه الله علیه

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي تَتِمُّ بِنِعْمَتِهِ الصَّالِحَاتُ.